



راه‌نمای خودسازی و تربیت انقلابی

تهیه و تنظیم: گروه فرهنگی اکسیر ولایت
از مربیان و دست‌اندرکاران تربیتی استعدا می‌شود
تجربیات و راه‌کارهای بینشی، گرایشی و منشی
خود را در خصوص شاخص‌های تربیتی مندرج در
متن کتاب به آدرس پست الکترونیک
info@noorbaran.net ارسال نمایند.

پاورقی‌ها هم جزو کتاب است! حتماً مطالعه بفرمایید.

بهار ۱۳۹۲

قال مولانا أمير المؤمنين 7 :

وَيَرُونَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ

وَهُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ

نهج البلاغه - خطبه ۲۳۰

اهل دنیا نگران مرگ بدن مانند

اهل آخرت نگران مرگ دل های زندگان

فهرست مطالب

۱	تربیت انقلابی چیست؟
۱	انقلابی کیست؟
۱	شاخصه‌های تربیت انقلابی کدام است؟
۲	هفت گفتار
۳	راه اینجاست!
۴	نردبان محبت
۵	محبت یا معرفت؟!؟
۶	مهر افزونی مهدوی <small>علیه السلام</small>
۷	سازمان تربیتی شیعه
۹	تربیت بی کلام
۱	تفکر
۴	تقوا
۸	همراهی با امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱	صداقت
۱۳	ادب و حیا

۱۶.....	توکل
۱۹.....	أنس با قرآن.....
۲۱.....	آشنایی با نهج البلاغه.....
۲۴.....	اخلاص و گمنامی.....
۲۷.....	تبعیت آگاهانه از امتداد ولایت شیعی.....
۲۹.....	بصیرت.....
۳۳.....	حق پذیری.....
۳۵.....	تکلیف گرایی.....
۳۹.....	امید و استقامت.....
۴۲.....	اهل درد و دغدغه بودن.....
۴۵.....	غیرت دینی (امر به معروف و نهی از منکر).....
۴۹.....	زهد و ساده زیستی.....
۵۴.....	شجاعت.....
۵۶.....	شهادت طلبی.....
۵۸.....	انجام مستحبات.....
۶۱.....	سحر خیزی.....
۶۳.....	احترام به والدین.....
۶۵.....	حسن خلق.....
۶۸.....	پرهیز از غیبت.....
۷۰.....	چشم پاکی.....

۷۳	خوش قولی و وفای به عهد.....
۷۶	ایثار و فداکاری
۷۹	انس با احادیث و مجالس اهل بیت : و ارتباط با روحانیت راستین ..
۸۳	رساله‌ای بودن
۸۵	روحیه‌ی جهادی.....
۸۸	کاری بودن و مسئولیت‌پذیری.....
۹۱	تواضع
۹۴	آمادگی جسمی و نظامی
۹۶	نظم و آراستگی.....
۹۸	بلند نظری و برنامه‌ریزی
۱۰۰	فراگیری و تلاش علمی
۱۰۳	مطالعه و کتابخوانی
۱۰۵	خودباوری و اعتماد به نفس.....
۱۰۹	تشکیلاتی بودن
۱۱۲	مناجات.....

تربیت انقلابی چیست؟

- معنای تربیت انقلابی در این نوشتار، تربیت اصیل دینی یا همان تربیت ناب اسلامی است با مرزبندی روشن با اسلام تحجر، اسلام تجدد، اسلام تجمل و یا سایر اسلام‌های ساختگی و التقاطی و همچنین تمایز جدی در روش با تربیت‌های پرستارانه، نتیجه‌گرایانه، مصلحت‌اندیشانه و اهمال‌گرایانه.

انقلابی کیست؟

- یک انقلابی، تربیت یافته‌ای است قوام، با درون‌مایه تکلیف‌گرایی و دردمندی که دائم در سیر و سلوک مابین تبار عاشورایی و آرمان مهدوی مکتب خود قیام می‌کند و حماسه می‌آفریند.

شاخصه‌های تربیت انقلابی کدام است؟

- در ادامه پس از تشریح شیوه ترویجی و دستگاه تربیتی شیعه، ۴۰ صفت و ویژگی معرفی خواهد شد که در آموزه‌های دینی اسلام ناب از تاکید و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از اقتضانات قطعی خودسازی و تربیت انقلابی می‌باشند. با بهره‌گیری از "کتاب جامع تربیت مکتبی و انقلابی" - نهج‌البلاغه- و استفاده از تاکیدات و ارشادات تربیتی رهبر حکیم انقلاب (حفظه الله و دامت برکاته).

- مرسوم این است که در مسیر متخلق شدن به اخلاق الهی، ابتدا به معرفت و شناخت پیرامون آن فعل یا صفت اخلاقی تأکید می‌شود (بینش) و سپس ایجاد میل و رغبت و کشش درونی نسبت به آن (گرایش) و در نهایت تبدیل آن به یک سیره دائمی و ملکه اخلاقی با ممارست (منش) که این راه‌نما پس از تعریف و تأکید مختصر هر شاخص به همین سیاق تهیه و تدوین شده است.
- لکن وجود سالکان صادق و مجاهدان اصلی در طول تاریخ و در دوران معاصر، که مسیر خودسازی و سلوک را نه از طرق معمول و شیوه‌های مرسوم بلکه با محبت و انگیزشی شدید در ابتدا، آغاز و تا فنا و جان‌فشانی برای محبوب حقیقی پیمودند؛ راه را به سمت مسیر اصیل‌تری برای تربیت می‌گشاید.

هفت گفتار

- ۱- «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» - از شما چیزی نمی‌خواهم؛ مگر مودت در حق اهل بیتم.»^۱
- ۲- «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۲ این اجر را هم پیامبر، نه برای خود که در ادامه هدایت و تربیت ما می‌خواهد.
- ۳- چرا پیامبر اجر زجری را که برای هدایت ما کشیده است، مودت (محبت شدید) اهل بیتش قرار داده است؟
- ۴- محبت، تبعیت و اطاعت می‌آورد؛ و این اثر قطعی و همیشگی محبت‌های صادقانه است. (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ -

۱. سوره شوری - آیه ۲۳

۲. سوره سبا - آیه ۴۷

بگو اگر خدا را واقعاً دوست می‌دارید، پس باید از من تبعیت کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد^۱.

۵- تبعیت اهل بیت، منجر به هدایت و سعادت ما می‌شود. (مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَأَلْجَتْهُ مَأْوَاهُ- کسی که از شما پیروی کرد؛ بهشت جایگاه اوست^۲).

۶- مصداق "ذی القربی" که در آیه شریفه ذکر شده است در زمان ما کیست؟

- «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُنْتَظَرَ» هر کس دوست دارد خدا را با ایمان کامل و دین سالم ملاقات کند، مهدی را دوست بدارد^۳. و یا روایات مکرر دیگری که تأکید بر معرفت یا محبت امام هر زمانی دارد و امام این زمان امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

۷- **محب مهدی علیه السلام، محبوب خداست.** کدام راه از این نزدیکتر؟
راه اینجاست!

بحث عواطف در دستگاه تربیتی دین ما محور است و پیامبر و اهل بیت بسیار پیش از آنکه کسی را با منطق و استدلال دعوت کنند، با رفتار و کلام محبت آمیز خود سریع‌ترین، شدیدترین و عمیق‌ترین آثار را بر انسان‌ها می‌گذاشته‌اند. فلذا به دست‌اندرکاران، رابطین و مربیان تربیتی اکیداً توصیه می‌شود: تمامی آموزه‌های اخلاقی، اعتقادی و احکامی دین مبین را در قالب همین دستگاه اصیل تربیتی ارائه نمایند و مقدم بر هر عملی ابتدا به تحکیم ارتباط معنوی با ساحت قدس مهدوی در خود و متربیان بپردازند. و آنگاه تمام آن آموزه‌ها را در قالب **إِمْتِثَالِ أَمْرِ** امام اولی‌الأمری که بچه‌ها دوستش دارند، بدون سختی و تکلف پیگیری نمایند (**إِمْتِثَالِ أَمْرٍ**: سبک دینداری و زندگی

۱. سوره آل عمران - آیه ۳۱

۲. فرازی از زیارت جامعه کبیره

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بحار الانوار - ج ۳۶

احرار بدون نیاز به تبلیغ میزان ثواب و آثار اعمال و ترویج دینداری‌های تاجرانه و بزدلانه^۱).

محبت رابط ← محبت امام ← اطاعت امام ← معرفت امام^۲
 ↑ (معرفت بیشتر)

به عنوان مثال در صورت توفیق مربی در احیا و پرورش محبت فطری حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در وجود متربی می‌توان در قسمت گرایش در تمام صفحات این راهنمای تربیتی این عبارت و راهکار را درج نمود:
 «محبوب، ما را اینگونه می‌پسندد» و دیگر هیچ نگفت!

نردبان محبت

« با نردبان محبت می‌شود به بالاترین درجات معرفت هم رسید.

اصل کار محبت است...

این محبت باید ما را به معراج ببرد و رشد بدهد.

این چه وقت خواهد شد؟

آن وقتی که ما تلاش کنیم در راهی که به آن بزرگوار می‌رسد حرکت

کنیم و آلا اگر به آن راه پشت کنیم و خدایی نکرده با هر عملی، با هر

اقدامی و با هر سخنی خودمان را یک قدم از آن بزرگوار دور کنیم، این

۱. حضرت امیر : «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ. وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ» - (گروهی به طمع پاداش خدا را عبادت می‌کنند، و این عبادت تاجران است؛ دسته‌ای از روی ترس، خدا را عبادت می‌کنند، و این عبادت بردگان است؛ و گروهی برای سپاسگذاری خدا را عبادت می‌کنند، و این عبادت آزادگان است.) (نهج البلاغه - حکمت ۲۳۴)

۲. محبتی که منجر به اطاعت و معرفت نشود خیلی زود منجر به توهم، خرافه و یا حتی تنفر خواهد شد.

محبت هم به تدریج کم‌رنگ، بی‌عمق، سطحی و صوری خواهد شد...»
(رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۰/۱۰/۲۹)

محبت یا معرفت؟!

سوالی که مطرح می‌شود این است که کسی را که نمی‌شناسیم چطور دوست
بداریم؟ (و یا اینکه مگر شناخت و معرفت همواره مقدم بر محبت نیست؟)

✓ محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) با محبت اشخاص عادی قابل مقایسه نیست که ما
تا کسی را نشناسیم، دوست نخواهیم داشت بلکه معرفت اجمالی و
کشش و محبت اولیه نسبت به ایشان فطرتاً در ضمیر انسان‌ها وجود
دارد.

✓ به برکت انقلاب اسلامی حداقل در کشور ما شناخت عمومی و اولیه
نسبت به وجود حضرت ولی عصر (علیه‌السلام) به میزان کافی وجود دارد؛^۱ و
اینگونه نیست که باید معطل مطالعات و مباحثات مفصل، به عنوان
مقدمه‌ی محبت حضرت باشیم.

✓ محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) زمینه معرفت و شناخت بیشتر است.
(مُؤَلِّاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا^۲)

✓ و معرفت بیشتر زمینه محبت بیشتر و محبت بیشتر، تبعیت و
اطاعت بیشتر و اطاعت بیشتر معرفت بیشتر و ...

۱. البته ممکن است این شناخت همیشه کافی نباشد و یا حتی توأم با بعضی شبهات و خرافات باشد ولی
در هر صورت شناخت عمومی و اولیه وجود دارد.
۲. فرازی از زیارت جامعه کبیره

مهر افزونی مهدوی علیه السلام

این که چگونه دوست‌تر بداریم حضرت صاحب الامر و واسطه متصل بین زمین و آسمان را، باب مفصلی است که در کتب پیرامون ایشان^۱، که در ذیل به مواردی که در روایات در رابطه با حضرت ولی عصر علیه السلام تأکید بسیار شده است، و می‌تواند زمینه‌ی اشتعال عشق و مودت نسبت به ایشان شود، اشاره خواهد شد:

- ✓ یادآوری لطف‌ها و محبت‌های ایشان
- ✓ ذکر غربت و مصائب دوران غیبت برای ایشان
- ✓ ذکر صفات و ویژگی‌های یاران حضرت در غیبت و در ظهور ایشان
- ✓ قرارهای روزانه برای اعمال صالح گذاشتن و هدیه‌ی^۲ آن‌ها به حضرت
- ✓ صدقه دادن روزانه به نیت سلامتی و فرج ایشان
- ✓ حفظ و قرائت روزانه دعای عهد با عنایت به مفهوم و بار تعهدی بیعت
- ✓ تلاش و دعا در جهت تعجیل در فرج ایشان
- ✓ دستگیری معنوی و فرهنگی از انسان‌ها در عصر غیبت به نیت یتیم‌نوازی ایتام آل محمد **ﷺ**
- ✓ گره‌گشایی و کارگشایی از مردم و مومنین به نیت تحقق بخشی از حوائج حضرت علیه السلام^۱

^۱ . به منظور مطالعه تکمیلی و آشنایی با راهکارهای عملی مراجعه شود به: خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی / سلوک منتظران و آفتاب در غربت محمد - بنی هاشمی / سودای روی دوست - مرتضی آفاتهرانی و ...

^۲ . یک قاعده کلی است که "هدیه دادن" جلب محبت می‌کند، برای همین اینقدر استحباب دارد و اصلاً معنای استحباب، طلب حب کردن است. هرچه قدر هدیه از نظر محبوب عزیزتر و ارزشمندتر باشد در مهرافزونی موثرتر است.

- ✓ مرادده و گزارش کار روزانه محضر شریف امام عصر^{علیه السلام} در پایان هر روز.
- ✓ پیش‌کش ثواب اعمال عبادی به محضر ایشان نظیر: نوافل، روزه مستحبی، تلاوت قرآن، زیارت‌ها و سایر اعمال صالح.
- ✓ تنظیم مسیر زندگی خود در راه دست‌یابی به زمینه‌ها و لوازم ظهور حضرت^{علیه السلام}
- ✓ تبعیت از نایب آن حضرت^{علیه السلام} برای اثبات ادعای تبعیت از ولی امر (ارواحنا له الفدا و عجل الله تعالی فرجه).

سازمان تربیتی شیعه

- با بررسی سیره اهل بیت : در ترویج معارف ناب اسلامی در می‌یابیم که حضرات معصومین : در کنار مباحث رسمی و زندگی روزمره به نوعی سازماندهی تشکیلاتی و تربیتی نیز مشغول بوده‌اند؛ در مقاطعی در قالب محافل و جلسات رسمی و در مقاطعی هم به صورت مخفیانه و یا حتی خرید خدمتکار و تربیت خانگی و سپس آزاد نمودن خدمتکاران تربیت شده و اعزام آنها به عنوان سفرای تربیتی به سایر بلاد.
- به شکلی که همواره حلقه‌ای از شاگردان ویژه توسط خود اهل بیت و حلقه‌های متصل بعدی توسط شاگردان به طور غیر مستقیم و در فضایی آکنده از محبت و سرشار از عواطف تربیت می‌شده‌اند.
- در دوران غیبت هم نهضت‌ها و مبارزات شیعه در قالب همین حلقه‌ها سازماندهی و پیگیری می‌شده است. در انقلاب اسلامی ایران نیز بعضی از

۱. «...والمسارعین الیه فی قضاء حوائجهم» - و مرا از کسانی که با سرعت به انجام خواسته‌ها و حوائج امام زمان^{علیه السلام} می‌شتابند قرار ده. (فرازی از دعای عهد)

شاگردان ویژه امام خمینی رحمته الله علیه^۱ مأمور سازماندهی و تشکیل این حلقه‌ها در سراسر کشور بوده‌اند که البته با پیروزی انقلاب و تبدیل نهضت به نظام، عملاً آن فعالیت‌های حلقه‌ای و تشکیلاتی، کم‌رنگ‌تر شده است.

- با این وجود، هنوز هم فعالیت‌های تربیتی با همان مدل اصیل و محتوای مکتبی و انقلابی به طور پراکنده در جریان است که با محوریت افرادی دارای صلاحیت-های معرفتی، سلامت روحی، ثبات شخصیتی و دغدغه‌های دینی و انقلابی و با عضویت متربّیانی معمولاً در آستانه سن بلوغ حلقه‌هایی شکل می‌گیرد و پس از چند سال کار گروهی و انتقال مفاهیم و معارف دینی در فضایی دوستانه و غیر رسمی، بعضی از این دانش‌آموزان، خود صلاحیت مربّی‌گری حلقه‌های بعدی را واجد می‌شوند.

۱. شهید بهشتی، آیت الله خامنه‌ای (مد ظله)، شهید مطهری و...

تربیت بی کلام

قال امیرالمومنین 7

«أَحْضِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرِ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ»

(بدی را از سینه دیگران با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نمائید^۱).
عنایت به این کلام نورانی حضرت امیر 7 در کنار تأکیدات مکرر و مؤکد دین مبین، مبنی بر لزوم خودسازی^۲ در کنار تربیت و پرهیز از ارشادات صرفاً زبانی، رمزگشائی رمزی از رموز خلقت انسان است و سرّی از اسرار تربیتی شیعه و بشارتی است بر مریبان و متولیان تربیتی که حتی در دوران اضطرارهای آخرالزمان هم می‌توان به این شیوه منشاء تحول و تربیت بود. چرا که هدایت‌یافتگی و تربیت شدن ما بر اطرافیان ما اثر مستقیم و عمیق خواهد داشت^۳ به شرطی که با آنان مصاحبت و مراوده وجود داشته باشد.^۴

-
۱. نهج البلاغه - حکمت ۱۷۸ (یعنی اگر نگران ردیلتی در وجود کسی هستی شما ریشه آن ردیله را در وجود خود بخشکانید، او اصلاح خواهد شد).
 ۲. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما پیگیر تربیت خود باشید (انعام ۱۰۵).
 ۳. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَسْتِيكُمُ» مردم را با زبانتان به دین دعوت نکنید (بلکه با اعمالتان زینت دین خدا و دعوت کننده به سوی او باشید). باب الورع - جلد ۲ - صفحه ۷۷
 ۴. «... لَمْ يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَرَّ إِذَا هَدَيْتُمْ» اگر شما خود هدایت شدید، نگران هدایت اطرافیان نباشید (انعام ۱۰۵).
 ۵. «لا تصحب الشرير فإن طبعك يسرق من طبعه شراً و أنت لا تعلم» با انسان شریر هم صحبت نشو! چرا که با همین مصاحبت، شرارت او به جان تو منتقل می‌شود بدون آنکه بفهمی. طبعاً همین شدت اثر برای مصاحبت با مؤمنین و انسانهای رشد یافته نیز وجود خواهد داشت. شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید جلد ۲۱ - صفحه ۲۷۲

از ره پنهان صلاح و کینه‌ها^۱

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها

تفکر

تأکید:

«رَحِمَ اللَّهُ إِمْرًا تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ^۱»

خدا رحمت کند بنده‌ای را که تفکر کند؛ سپس عبرت بگیرد.

تعریف:

کشف حقایق و ظرایف هستی با استفاده از قدرت اندیشه

بینش:

- ۱- فکر انسان در جایگاه «رسول درونی» مانند یک قطب‌نما می‌تواند مسیر حرکت انسان را مشخص کند به شرط اینکه تحت تأثیر کشش‌ها و جاذبه‌ها^۲ قرار نگرفته باشد.
- ۲- در آموزه‌های دین، ارزش و اهمیت اندیشیدن بالاتر از ساعت‌ها عبادت دانسته شده‌است.^۳
- ۳- آن تفکر و اندیشه‌ای اهمیت دارد که منجر به کشف حقایق و مجهولاتی شود نه صرفاً تخیل و توهم!
- ۴- لذا یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اصول تربیتی، تقویت و تعالی فکر در وجود انسان است.

۱. نهج البلاغه - خطبه ۱۰۲

۲. عواطف، احساسات، غرایض، تعصبات و ... از عوامل انحراف بیرونی اندیشه محسوب می‌شود. «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُبْصِمُ» (دوست داشتن زیاد چیزی چشم و گوش را بر آن می‌بندد). (من لا يحضره الفقيه - ج ۴ - ص ۳۸۰)

۳. «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ» (البرهان فی تفسیر القرآن - ج ۳ - ص ۲۴۵)

گرایش:

- ۱- اشیاء و اتفاقات پیرامون ما پر از موعظه^۱ هستند، لذا یک ذهن ورزیده با تفکر و درک این مواعظ، یک واعظ درونی و همیشگی خواهد داشت.
- ۲- همواره بهتر است به جای این که با به خاطر سپردن استدلال‌ها و اندیشه‌ها ذهن را خسته و تنبل کنیم با تأمل و اندیشیدن پیرامون مسایل و موضوعات، اندیشه را آماده و چالاک نماییم.
- ۳- برای حفظ خود از لغزش‌ها باید خود را به تفکر قبل از عمل عادت دهیم.^۲

منش:

- ۱- در تقویت قدرت تفکر، انجام گام‌های ذیل با مشاهده هر شیء و یا هر اتفاقی در پیرامون توصیه می‌شود.^۳
- گام اول (تأمل): درنگ کردن، کنجکاوی کردن و ساده رد نشدن از کنار هر اتفاق پیرامونی
- گام دوم (تعقل): در مورد ریشه اتفاق (گذشته)، متن اتفاق (حال) و اثرات بعدی آن (آینده) اندیشیدن
- گام سوم (تدبیر): با انجام مراحل فوق قواعد و ضوابط موجود را کشف کردن و مقایسه نمودن آن با سایر اتفاقات مشابه و عبرت گرفتن و تعمیم دادن آن در مصادیق مرتبط با زندگی خود.

۱. «ما مِنْ شَيْءٍ نَرَاهُ عَيْنًا إِلَّا وَفِيهِ مَوْعِظَةٌ» (چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد، مگر آن که در آن پند و موعظه‌ای است) (امام کاظم ۷ - بحار الانوار - ج ۷۸ - ص ۳۱۹).

۲. امام علی ۷ «أَصْلُ السَّلَامَةِ مِنَ الرَّئِي، الْفِكْرُ قَبْلَ الْفِعْلِ وَ الرَّؤْيُ قَبْلَ الْكَلَامِ.» ریشه و اصل حفاظت از لغزشها تفکر پیش از عمل و اندیشه پیش از تکلم است (غررالحکم، حدیث ۳۰۹۸).

۳. مثال: برگی که از درخت می‌افتد/ بچه‌ای که گریه می‌کند/ لامپ روشنی که می‌ترکد/ دستمال چربی که شیشه را تمیز نمی‌کند و...

- ۲- تکرار و تمرین گام‌های سه‌گانه‌ی فوق در هر موضوعی، آرام آرام رسول و واعظ درونی را فعال می‌نماید.^۱
- ۳- قبل از انجام هر کار و بیان هر مطلبی به نتایج و عواقب آن اندیشیدن.
- ۴- تلاش برای شناختن نقش پروردگار در اتفاق‌های پیرامون و کشف پیام خصوصی که در متن این رویدادها برای هر شخص به صورت جداگانه ارسال شده است، نقطه اوج ثمر بخش تفکر صحیح است.

۱. مثال: از برگی که از درختی جدا می‌شود، در هوا چرخ می‌زند، و پیش چشم ما بر زمین می‌افتد و زیر دست و پا له می‌شود می‌توان عبرت گرفت که سرنوشت بریدن از ریشه‌ها چه می‌شود... می‌توان هم اصلاً این اتفاق ساده را ندید!

گام اول: از دیدن برگ زیر پا توجه کردن به کنده شدن برگ‌ها و سقوطشان بر زمین.

گام دوم: اندیشیدن پیرامون گذشته سبز و استوار برگ، جدا شدنش از درخت در حال حاضر و له شدنش در زیر پا و زباله شدن و یا سوختنش در آینده.

گام سوم: پس له شدن و سوختن و نابود شدن نتیجه از ریشه جدا شده است... ریشه من در کجاست؟ اتصال من چگونه باید با ریشه‌ام برقرار بماند؟ و ...

تقوا

تأکید:

«مَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ وَ أَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱ امام صادق 7

هر یک از شما که پرهیزگار و اصلاح‌گر باشد، از ما اهل بیت است.

تعریف:

« تقوا معنایش این است که به طور دائم مراقب حرکات و اعمال و رفتار و گفتار خودتان باشید و خود را رها نکنید، این مراقبت خیلی برکات دارد، همین مراقبت است که انسان را در صراط مستقیم الهی حفظ می‌کند. »
(رهبر حکیم - ۱۳۷۶/۶/۲۶)

بینش:

- ۱- مطالعه و آشنایی با آثار و نتایج تقوا در قرآن
- ۲- توجه به اینکه در هر موضوعی غالباً رضایت و عدم رضایت خداوند برای ما قابل درک است؛^۲ و رعایت آن همان تقواست.
- ۳- آشنایی با سیره اولیاء الهی در مشارطه، مراقبه، محاسبه.^۳

۱. دعائم الإسلام - ج ۱ - ص ۶۲

۲. «فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (پس به آن [فطرت انسان] درستی یا نادرستی کارها را الهام کردیم.) (سوره شمس - آیه ۸)

۳. مشارطه: آن است که فرد در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز معصیت نکند و یا فلان گناه را امروز ترک نماید و این مطلب را تصمیم بگیرد و در صورت تخلف برای خود جریمه تعیین نماید. مراقبه: در تمام مدت شرط، مراقب باشد و خود را ملزم بداند به عمل کردن به آن.

۴- توجه به اینکه تقوا فقط حیطة مسائل شخصی را شامل نمی‌شود و رعایت تقوای اجتماعی و سیاسی نیز جزئی از تقواست.

گرایش :

- ۱- شوق به ورود در محدوده ولایت الهی (خداوند ولیّ متّقین است).
- ۲- تقوا باعث افزایش رزق و روزی و باز شدن درهای رحمت آسمان و زمین بر انسان است.^۲
- ۳- تقوا در مواقع ضروری موجب امدادهای غیبی خداوند و گشایش در امور می‌شود.^۳
- ۴- انسان با تقوا، بن‌بست ندارد.^۴
- ۵- خدا به انسان با تقوا، قدرت تشخیص و بصیرت اعطا می‌کند.^۵
- ۶- تقوا، شفای امراض جسمی و دردهای بدن است.^۶

→ محاسبه: اینکه حساب نفس را بکشد که در این شرطی که با خدای خود کرده آیا به جا آورده و با ولی- نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکرده است و اگر کرده است برای نفس خود تنبیه‌هایی مقرر نماید. (برگرفته از کتاب چهل حدیث امام خمینی رحمته الله علیه).

۱. إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ اللَّهُ وَلىُّ الْمُتَّقِينَ - همانا برخی ستمکاران ولی برخی دیگر هستند و خداوند ولی پرهیزکاران است. سوره جائیه - آیه ۱۹

۲. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ - و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.» (سوره اعراف - آیه ۹۶)

۳. «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ - و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید. و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند.» (سوره طلاق آیات ۲ و ۳)

۴. همان

۵. إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا - اگر تقوا پیشه کنید، خداوند برایتان وسیله تشخیص و تمیز قرار می‌دهد. (سوره انفال - آیه ۲۹)

۶. قال امیرالمومنین 7: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ ... شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ» - همانا تقوای الهی ... شفای بیماری‌های جسم شماست (نهج البلاغه - خطبه ۱۹۸).

- ۷- تقوا، سختی‌های زندگی دنیا را آسان می‌کند.^۱
 ۸- تقوا، چراغ قبر و آرامش وحشت‌های طولانی دوران برزخ است.^۲

منش :

- ۱- مراقبت دائمی و همیشگی^۳ بر مبنای رعایت ادب حضور حضرت ولی عصر علیه السلام چرا که ایشان همواره حاضر و ناظر بر رفتارهای ما هستند. به نحوی که در "مشارطه" ضمن تعیین شرط و شروط، انجام آن را به امام زمان علیه السلام تعهد نماید و در طول روز با "مراقبه" همواره از رفتار و گفتار و افکار خود در محضر ایشان مراقبت کند و در پایان روز با "محاسبه" به حساب اعمال روز خود برسد و در صورت تخلف از شروط مشارطه‌اش ضمن استغفار و معذرت خواهی از حضرت علیه السلام به شرط و جریمه خود عمل نماید.
 ۲- تمرین مراقبه، محاسبه و مشارطه در خلوت با امام عصر (ارواحنا فداه)^۴

۱. قال امیرالمومنین 7: «فمن أخذ بالتقوى...» - کسی که تقوی را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور می‌شوند و مشکلات پیاپی و خسته کننده آسان می‌شوند... (نهج البلاغه - خطبه ۱۹۸).
 ۲. قال امیرالمومنین 7: «... و مصابیح لیطون فبورکم و سکناً لیطول وحشتکم» - (تقوا) چراغ قبر و آرامش وحشت‌های طولانی‌تان است (نهج البلاغه - خطبه ۱۹۸).
 ۳. تخم سعادت، مراقبت است. (علامه طباطبایی)
 ۴. «والإجتهاؤ فی طاعته و الإجتناؤ عن معصیه و امنن علینا برضاؤه و هب لنا ...» - الهی ما را بر ادای حقوق وی یاری فرما، و در کوشش نسبت به اطاعت از او و دوری از نافرمانیش یاری و مساعدت کن و با خشنودی او از ما بر ما منت گذار. (فرازی از دعای ندبه)
 ۵. تقوا: مراقبت از حرکت‌ها (اعمال و گفتار) و محرک‌ها (نیات، انگیزه‌ها و افکار)
 ۶. مرادوه داشتن با حضرت ولی عصر علیه السلام: گزارش کار روزانه دادن، قول و قرار گذاشتن برای انجام اعمال صالح و ترک معاصی و ...

- ۳- مراقبت شدید بر تقوا در خلوت^۱
- ۴- استعانت مصرّانه تقوا از خداوند متعال.^۲

۱. امام علی 7: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» - از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، چراکه همان که گواه است داوری کند. (نهج‌البلاغه - حکمت ۳۲۴)

۲. قال امیرالمؤمنین 7: «عباد الله، اوصيكم بتقوى الله فإنها حقُّ الله عليكم...و تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ» - ای بندگان خدا، شما را به تقوی سفارش می‌کنم که آن حق خداوند بر شماست... از خدا برای تقوا یاری بخواهید (نهج‌البلاغه - خطبه ۱۹۱).

همراهی با امام زمان علیه السلام

تأکید:

«أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱

«وَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ»^۲

تعریف:

معیت یعنی با امام زمان علیه السلام بودن در همه اوقات و لحظات (فراتر از با یاد امام بودن)^۳

بینش:

۱- «ان شاء الله همه شما و ما هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را فدا کنیم و به فیض شهادت برسیم - که بزرگترین شرف و افتخار است - و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار و متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار

۱. فرازی از زیارت عاشورا

۲. فرازی از زیارت جامعه کبیره

۳. امام باقر ۷: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا...» - (خداوند رحمت کند بنده‌ای را که خود را وقف ما گرداند...) (کمال الدین - باب ۵۵ - حدیث ۲).

"حبس نفس" برای امام ۷ به این معناست که انسان همه امکانات و لحظاته را وقف اهداف و رضایت امام زمانش کند.

برقرار کنیم. اگر شما از این طرف آنس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد.» (رهبر حکیم انقلاب ۷۶/۹/۲۵)

- ۲- شناخت ویژگی‌ها و صعوبت‌های عصر غیبت و اضطراب انسان‌ها در آخرالزمان
 ۳- آشنایی با مفهوم و تکالیف بیعت و معیت^۱

گرایش:

- ۱- تفکر پیرامون حضرت ولی عصر علیه السلام: غربت‌ها، غم‌ها، شادی‌ها، دردها و دغدغه‌های ایشان و لطف‌ها، محبت‌ها و مراقبت‌های ایشان نسبت به انسان‌ها.
 ۲- آشنایی با شئون مختلف امام: انیس الرقیق، والد الشقیق و ...^۲
 ۳- معرفت امام عصر علیه السلام، به عنوان امام حاضر ناظر بر کردارها
 ۴- شناخت شرایط یاران و اطرافیان حضرت در زمان غیبت.^۳
 ۵- مصاحبت و مجالست با ارادتمندان و دلدادگان بی ادعای حضرت علیه السلام^۴
 ۶- آشنایی و انس با ادعیه و مناجات‌های منسوب به ایشان.^۵
 ۷- تلاش برای شناخت و انجام راهکارهای کوتاه‌سازی دوران غیبت و زمینه‌سازی ظهور

-
۱. مطالعه تکمیلی در خصوص معانی و بار تعهدی بیعت حتماً توصیه می‌گردد.
 ۲. امام رضا ۷: «...الامام الانیس الرقیق والوالد الشقیق والاخ الشقیق...» (امام برای انسان‌ها، همدمی رقیق، و پدری مهربان و برادری همانند است) (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶).
 ۳. طبق روایات حتی در زمان غیبت هم همواره حلقه‌ای از منتظران خالص هر زمان برای انجام اوامر و تحقق اراده‌های آن حضرت در خدمت ایشان هستند که البته افراد دارای عمر طبیعی هستند و پس از مرگ یا شهادتشان افراد دیگری جایگزین آنها خواهند شد.
 ۴. مراقبت از افراط در گرایش به مشاهده و سوق به جانب مجاهده برای تحقق اوامر و اراده‌های آن حضرت علیه السلام
 ۵. دعای ندبه در این خصوص ترنم عاشقانه‌ایست.

- ۸- همواره درخواست و آرزوی دیدار آن حضرت را نیز داشتن.^۱
 ۹- شوق شهادت در مسیر تحقق آرمان‌های آن حضرت و در مقابل دیدگانشان^۲

منش:

- ۱- باید بدانم^۳ هر لحظه امام کجاست و چه می‌کند؟ تا بدانم آن لحظه کجا باشم و چه کنم؟
 ۲- رعایت ادب حضور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در جمیع حالات
 ۳- تلاش جدی به منظور تعجیل در فرج حضرت^{علیه السلام} با ایجاد عطش عمومی و تربیت یاران ویژه
 ۴- خودسازی و عمل به وظایف و تکالیف منتظران
 ۵- تجدید عهد و بیعت روزانه (دعای عهد) و تقید به ملزومات بیعت^۴
 ۶- مجاهده جدی برای تحقق أوامر و حوائج حضرت^{علیه السلام}.^۵

۱. «هَلْ إِلَيْكَ يَا بِنَّ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى؟» (ای فرزند احمد آیا راهی برای دیدن شما وجود دارد؟) (فرازی از دعای ندبه)

۲. «وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ...» (و مرا از کسانی که مقابل حضرت به شهادت می‌شند قرار بده) (فرازی از دعای عهد)

۳. در اثر محبت و معرفت شدید نسبت به آن حضرت^{علیه السلام} و مراقبت دائمی، سختی بین منتظر و امام ایجاد می‌شود که کشف تکالیف برای انسان دائماً امکان پذیر خواهد بود و البته در مراتب معرفت اولیه هم بعضی حالات و اعمال روزانه ایشان برای ما مکشوف است. مانند: نماز جماعت اول وقت، نوافل، سحر، بین الطلوعین، مناسبت‌های عزا و شادی اهل بیت، مصائب و فجایع بشری و ...

۴. بیعت (بیع: معامله): پسند و ناپسند خود و دیگران (شیاطین و ...) را با پسند و ناپسند امام زمان^{علیه السلام} معامله و معاوضه کردن

۵. «وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ» (و مرا از شتاب کنندگان به سوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش و حتی سبقت گیرندگان به سوی تحقق آنچه اراده کرده است قرار ده) (فرازی از دعای عهد)

صداقت

تأکید:

«النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ»^۱

«جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكِذْبُ»^۲

تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن اتاق، دروغ است.

تعریف:

در همه حال و در هر شرایطی اهل راستگویی بودن^۳

بینش:

- ۱- دروغ گناه کبیره است.
- ۲- آگاهی از آثار و منافع کثیر راستگویی
- ۳- راست‌گویی انسان را تا مرز عصمت پیش می‌برد زیرا کسی که مقید است دروغ نگوید هیچ گناهی نمی‌تواند مرتکب شود زیرا همواره مجبور است خود را افشا کند.
- ۴- آگاهی از آثار سوء روانی، اجتماعی و شخصیتی دروغ‌گویی و عقوبت‌های سنگین اخروی آن.

۱. غررالحکم - ج ۱ - صص ۶۳۵ و ۶۳۷

۲. بحار الانوار - ج ۷۸ - ص ۳۷۷

۳. مگر موارد نادر دارای جواز شرعی مانند: حفظ جان مومن و اصلاح روابط مابین افراد

۵- درک این مهم که صداقت، سادگی نیست؛ بلکه بالاترین و پیچیده‌ترین سیاست‌ها است.

گرایش:

- ۱- خودشناسی، خودباوری، شجاعت، کرامت و هوشمندی، همواره مقدمه ملکه شدن صداقت در وجود انسانند.
- ۲- تجربه مکرر و درک لذت و آرامش درونی ناشی از رضایت الهی بر اثر صداقت در مقابل تشویش و اضطراب ناشی از دروغ‌گویی.

منش:

- ۱- مراقبت شدید تا انسان فعل اشتباهی مرتکب نشود که برای کتمان‌ش مجبور به دروغ‌گویی شود و مشارطه و محاسبه شدید تا اگر هم ناخودآگاه یا خودآگاه، کوچک یا بزرگ، شوخی یا جدی، دروغی گفته شد؛ علاوه بر استغفار الهی، نفس انسان طعم مشقت جریمه و تنبیه^۱ را در همین دنیا هم بچشد و هوس تکرار ننماید.
- ۲- مراقبت همیشگی به منظور ترک کامل دروغ و انواع آن: شوخی، جدی، کوچک، بزرگ و ... و چشیدن شیرینی طعم ایمان.^۲

۱. جریمه و تنبیه در اینجا متناسب با توان فرد و توسط خود او تعیین می‌شود؛ ویژگی تنبیه باید سخت و گزنده بودن آن برای نفس باشد. مثلاً شرط کند که اگر دروغ گفت، به سرعت برگردد و پس از گفتن راست آن مطلب، بگوید: «تفهمیدم!» یا «لعنت خدا بر شیطان!»

۲. «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتَرَكَ الْكِذْبَ هَرَلَةً وَ جِدَّةً» (بحارالأنوار - ج ۶۹ - ص ۲۴۹)

ادب و حیا

تأکید:

«لا دین لمن لا حیا له»^۱

هرکس حیا ندارد دین ندارد.

«الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ»^۲

حیا، تمام دین است.

تعریف:

حیا، حسّ شرمندگی از ارتکاب عمل نارواست.
ادب یعنی به کارگیری خُلقیات و صفات زیبا در گفتار و رفتار.

بینش :

- ۱- درک حضور و نظارت ناظران محترمی همچون خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص ولی زمان حضرت مهدی (علیه السلام) بر تمامی اعمال و گفتار و نیات ما و رعایت ادب و حیای محضرشان.
«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...» - و بگو: عمل کنید، اما بدانید که خدا و پیامبر او و مؤمنان شما را می بینند...»^۳

۱. کافی - ج ۳ - ص ۱۶۵

۲. نهج الفصاحه - ح ۱۳۲۱

۳. سوره توبه - آیه ۱۰۵

- ۲- شناخت ضرورت و آداب رعایت ادب در محضر خداوند و اولیای الهی^۱
- ۳- توجه به مراتب حیا طبق روایت پیامبر (۶) حیا گناه/ حیا تقصیر/ حیا کرامت/ حیا محبت/ حیا هیبت^۲.
- ۴- توجه به اقسام حیا حُمق (احمقانه) / شرم از پرسش/ شرم از اعتراف به بی‌اطلاعی/ شرم از کارکردن/ شرم از خدمت به مهمان/ شرم از احترام گذاشتن و ...)

گرایش :

- ۱- درک و حفظ حرمت همیشگی، محضر محترم خداوند و معصومان (علیهم‌السلام).
- ۲- حفظ آبروی خویش در برابر پیامبر عزیز (۶)، چرا که طبق روایت امام صادق (۷) هر روز صبح تمام اعمال ما به پیامبر (۶) عرضه می‌شود. و

۱. «وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که در روی زمین با تواضع راه می‌روند و هرگاه جاهلان به آنها خطاب کنند، با سلامت نفس جواب می‌گویند (فرقان - ۶۳).

۲. حیا گناه: این حیا مانع می‌شود که انسان مرتکب کبایر شود و این پایین‌ترین مرتبه حیا است و این حیا عوام است.

حیا تقصیر: شرمش آید که مرتکب کاری شود که مشتمل بر تقصیر باشد و بخواهد برای آن معذرت خواهی کند هرچند حرام نباشد و این مرتبه، فوق مرتبه اول است و مخصوص اولیاست.

حیا کرامت: به خاطر درک و حضور الهی و عظمت و کرامت خداوند نه تنها معصیت نکند که حتی مکروهات را انجام ندهد.

حیا محبت: انوار محبت الهی چنان بر سراسر کشور دل انسان بتابد، که مجال مخالفتی برای او در هیچ عضوی از اعضای وی نماند.

حیا هیبت: هیبت الهی مانع شود از ارتکاب خلاف رضای او همچنان که در حیا محبت مانع می‌شد از توجه به غیر، و این دو مرتبه از حیا، اعتلای مرتبه حیاست و مرتبه عرفا و اولیاست.

(مصباح الشریعه - ص ۴۰۳ و بحار الانوار - ج ۶۸ - ص ۳۳۶)

همچنین امام حاضر و ناظر بر کردارها حضرت ولی عصر علیه السلام که علاوه بر اینکه ایشان صاحب زمانند و هر لحظه ناظر بر ما، پرونده اعمال ما هم حداقل هفته‌ای دوبار طبق روایات محضر ایشان ارائه می‌شود.

- ۳- علاقه به مقرب شدن به اسوه‌های حیا و شبیه آنان شدن (پیامبر و اهل بیت):
- ۴- خود را در اختیار قوانین قرآن و دین قرار دادن.
- ۵- مطالعه کتب قابل استفاده در شناخت آداب حسنه: سنن النبى، آداب الشریعه، مکارم الاخلاق و حلیه المتقین.

منش :

- ۱- تقید به تأمل و درنگ قبل از انجام هر عمل و گفتن هر سخن که آیا اگر اکنون حضرت ولی عصر علیه السلام حضور داشتند من باز هم این عمل را انجام می‌دادم و یا این سخن را می‌گفتم (ادب حضور) و یا اینکه از ایشان حیا می‌کردم ... انسان را می‌تواند تا مرزهای عصمت پیش ببرد.
- سرمایه راهرو حضور و ادب است آنگاه یکی همت و دیگر طلب است
- ۲- مراقبت دائم به منظور رعایت اقسام حیا و تلاش برای ورود به حریم آن
- (- حیای نگاه (نور/۳۱ و ۳۲) ، حیای راه رفتن (لقمان / ۱۸) ، حیای سخن (شوخی‌ها، غیبت‌ها، و ...) - حیای پوشش و ...).

۱. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَغْضَظٍ مِّنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِي لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱) وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَاتِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲)» (و به زنان مومنه بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج‌های خویش را حفظ و زینت خویش را جز آنچه آشکارست آشکار ن سازند و باید که روپوش‌هایشان را به گریبان‌ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدران و یا پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادرزادگان و یا زنان و یا آنچه مالک آن شده‌اند یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند، و مبدا پای خویش را به زمین بکوبند تا آنچه از زینتشان که پنهان است ظاهر شود. مؤمنان! همگی به سوی خدا توبه برید شاید رستگار شوید (۳۱). دختران و پسران و غلامان و کنیزان عذب خود را اگر شایستگی دارند نکاح نمایید که اگر تنگدست باشند خدا از کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش دانا است (۳۲).

توکل

تأکید:

« فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ »
 مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند.^۱

تعریف:

با تکیه بر خداوند اقدام کردن و نتایج را به خداوند واگذار کردن.

بینش:

- ۱- توجه همیشگی به این اصل که توفیق و عدم موفقیت ما به دست خداست و هیچ چیز به ما نمی‌رسد مگر آنکه خداوند برای ما مقدر کرده باشد. «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» هیچ چیز جز آنچه خدا برای ما مقدر کرده است به ما نخواهد رسید.^۲
- ۲- انسان فقط می‌تواند تدبیر و تلاش کند و تقدیر از سوی پروردگار رقم می‌خورد.^۳
- ۳- لازم است پس از انجام وظیفه، نتیجه امور را فارغ از اینکه مطابق میل ما هست یا خیر، به خداوند بسپاریم.^۴

۱. «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد).

۲. سوره توبه آیه ۵۱

۳. همان

۴. «العبد يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يَقْدَرُ» (شرح الکافی - الأصول و الروضة للمولی صالح المازندرانی) - ج ۵ - ص ۱۹

۵. «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (چه بسا چیزها که شما از آن کراهت دارید درحالی که خیرتان در آن است و چه بسا چیزها که دوست می‌دارید در حالی که شر شما در آن است و خدا خیر و شر شما را می‌داند و خود شما نمی‌دانید.) (سوره بقره آیه ۲۱۶)

۴- توجه به اینکه اگر ما عمل خالصمان را به خدا تقدیم کنیم، خداوند برترین مصلحت‌ها را روزی ما می‌کند.^۱

گرایش:

- ۱- کسی که بر خدا توکل کند، خدا همه کاره‌اش می‌شود.^۲
- ۲- خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.^۳
- ۳- فهم قلبی و درک اینکه قدرت مطلق از آن خداست و تمام مخلوقات از عجز ذاتی برخوردارند.
- ۴- انسان همواره مامور به انجام وظیفه و تکلیف با تدبیر و دقت است و نتیجه را خداوند مقدر می‌فرماید.^۴
- ۵- آرامشی که در پس واگذاری نتیجه امور به بزرگترین قدرت عالم به قلب انسان وارد می‌شود، لذت بخش‌ترین حالت رضا و اطمینان است.

منش:

- ۱- انس با خداوند و گفتگوی صمیمانه و بی‌پیرایه با خدا، نتیجه قطعی «دل‌کندن و ناامیدی از اسباب دنیایی» و «اطمینان و اعتماد به اراده الهی» را در پی خواهد داشت.
- ۲- تعمیم و گسترش همان حس پناهندگی کامل که در هنگام اضطرار و استیصال به انسان دست می‌دهد به تمام لحظات زندگی.

۱. حضرت زهرا (علیها السلام): «مَنْ أَوْكَلَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ» (بحارالانوار - ج ۶۷ - ص ۲۴۹)

۲. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (سوره طلاق آیه ۳)

۳. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (سوره آل عمران - آیه ۱۵۹)

۴. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» (وقتی عزم عملت را انجام دادی پس از آن دیگر به خداوند توکل کن) (همان).

- ۳- مغرور به امکانات و توان و مایوس از کمبودها و تنهایی‌ها نبودن.
- ۴- انجام تمام کارها با تدبیر و درایت و تلاش لازم، در عین کمک خواستن از خدا برای اثر بخشی به کارها و واگذاری نتیجه به او و رضایت به هر آنچه خدا مقدر می‌فرماید؛ چرا که او بیش از پدر و مادر خیرخواه ماست.

أنس با قرآن

تأکید:

«فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱

هر مقدار که می‌توانید از قرآن بخوانید.

تعریف:

« با قرآن انس بگیرید و با قرآن مجالست کنید، هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته می‌شود و یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما جاری می‌شود. انس با قرآن، تفهیم قرآن، تدبیر در قرآن، این‌ها لازم است.» (رهبر حکیم انقلاب - ۸۹/۴/۲۴)

بینش:

- ۱- درک ضرورت همنشینی با قرآن به خصوص در شرایط فتنه‌گون آخرالزمان و لزوم تشخیص حق و باطل با بینات قرآن.^۲
- ۲- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: قرآن سفره نعمت الهی است پس هر قدر می‌توانید از آن بهره‌مند شوید زیرا که خالی‌ترین خانه، دلی است که از نور قرآن تهی باشد.^۳

۱. سوره مزمل - آیه ۲۰

۲. نهج‌البلاغه - خطبه ۱۴۹: فتنه شکنان قرآنی‌اند...

۳. غرر و درر - مرحوم علم الهدی - مجلس ۲۷

۳- آشنایی با برنامه و مسیر زندگی در دنیا.

گرایش:

- ۱- درک احساس نیاز به شنیدن سخنان معبود و عطش کسب معرفت در سایه‌ی کلام نورانی وحی.
- ۲- رواج قرآن در مجموعه‌های فرهنگی باعث رونق و نورانیت کار فرهنگی می‌شود.^۱
- ۳- انس با قرآن، زمینه آشنایی راحت و روان با زبان عربی می‌شود.^۲
- ۴- همنشینی با قرآن موجب شفای امراض روحی و حتی جسمی است.^۳

منش:

- ۱- همراه داشتن دائمی قرآن و تلاوت آن در فرصت‌های مغتنم.
- ۲- تدبّر و اندیشه روزانه در آیات
- ۳- یادداشت نمودن آیات کاربردی و بیناتی
- ۴- به حافظه سپردن آیات منتخب و استفاده از آن در زندگی

۱. «کار فرهنگی باید در سایه و پرتو تعالیم اسلام و منکر و احساسات و ارزش‌های اسلامی انجام گیرد... به نظر من برای این کار، قرآن را در مجموعه خودتان رایج کنید» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۲/۷/۱۲).

۲. «قرآن را با زبان خودش باید فهمید. ترجمه قرآن نمی‌تواند قرآن باشد؛ اگرچه، چیزی را نشان می‌دهد. اما به نظر من چاره کار، با قرآن انس گرفتن است. خصوصیت قرآن این است که اگر کسی عربی هم نداند؛ وقتی قرآن را با دقت بخواند به تدریج یک برداشت و سهمی از آن پیدا می‌کند...» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۲/۷/۱۲).

۳. نهج‌البلاغه خطبه ۱۷۵

آشنایی با نهج البلاغه^۱

تاکید:

« امروز شرایطی مشابه شرایط حکومت امیرالمومنین است. پس روزگار، روزگار نهج-البلاغه است. امروز می‌شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمومنین به واقعیت‌های جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد. همین است که به نظر ما امروز بیش از همیشه به نهج‌البلاغه محتاجیم.»^۲

تعریف:

مطالعه مستمر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه به صورت فردی یا گروهی

بینش:

- ۱- «چهره علی بن ابی‌طالب 7 در هیچ کجا مانند نهج‌البلاغه آشکار نمی‌شود»^۳
- ۲- «شما وقتی نهج‌البلاغه می‌خوانید هم امام 7 را می‌شناسید هم اسلام را»^۴
- ۳- «همه آنچه برای یک انسان مسلمان و یک جامعه اسلامی لازم است، سخنی و یا اشاره‌ای از آن در نهج‌البلاغه آمده است»^۱.

۱. «مراجعه به کلمات بزرگان خوب است، ولی انس با قرآن و نهج‌البلاغه چیز عجیبی است!...» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۲/۷/۱۲)

۲. رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۶۳ - کنگره چهارم نهج‌البلاغه

۳. همان

۴. رهبر حکیم انقلاب - گفتاری درباره حکومت علوی - ص ۱۳

- ۴- تنها کتاب مرجع و جامع است برای خودسازی و تربیت حماسی و انقلابی.
- ۵- برای فهم و همگان آمده است؛ زیرا بخش عمده‌ای از آن بیان شفاهی امام بوده است برای امت.
- ۶- کتاب تحقیر تعینات و تعلقات دنیایی است.^۲

گرایش:

- ۱- «هرکس با نهج‌البلاغه آشنا بشود در دلش جا خواهد گرفت»^۳.
- ۲- کتابی متنوع و جامع است. (از مباحث سیاسی و اجتماعی و حماسی و جهادی تا مباحث اخلاقی و فردی)
- ۳- یک انسان کامل در نهج‌البلاغه مجسم و شوق حرکت به سمت آن شخصیت در خواننده شعله‌ور می‌شود.
- ۴- مطالعه مستمر نهج‌البلاغه علاوه بر افزایش معلومات و معارف، انسان را مستقیماً تربیت می‌کند، رشد می‌دهد و از دنیا می‌کند (به اعجاز امیرالمومنین ۷)^۴.

منش:

- ۱- تقید به مطالعه مستمر و منظم خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها ترجیحاً به شکل هم-زمان و درک لذت تحت تعلیم و تربیت امیرالمومنین ۷ بودن.^۵
- ۲- تلاش برای درک و ترسیم انسان کامل و جامعه‌ی مطلوب از عبارات نهج‌البلاغه

۱. رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۶۳ - کنگره چهارم نهج‌البلاغه

۲. «علی ۷ نسبت به دنیا و تحقیر دنیا بیانات عجیب و کوبنده‌ای دارد...» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳/۲/۱۳۵۹).

۳. رهبر حکیم انقلاب - سال ۱۳۶۵ - مسابقات نهج‌البلاغه

۴. یکی از معانی "امیر" در کلام عربی خواننده است؛ به این معنا که انس و مطالعه نهج‌البلاغه، مؤمنین را مشمول مقام سقایت حضرت امیرالمومنین می‌نماید و نورانی می‌کند و رشد می‌دهد. - کَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ نُشْدٌ (فرازی از زیارت جامعه کبیره)

۵. برای دور اول مطالعه ساده و بدون تفسیر و شرح. ترجمه نهج‌البلاغه به صورت فردی یا گروهی توصیه می‌شود: «فضلا و اندیشمندان کار خود را بکنند؛ اما جوان‌ها نباید منتظر اساتید، فضلا و پیشروان اندیشه و علم و ادب بمانند...» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۶۰ - کنگره هزاره نهج‌البلاغه).

۳- تلاش در جهت ترویج جهانی و محلی نهج‌البلاغه^۱ به عنوان تلاشی مؤثر در تحقق زمینه‌های جامعه آرمانی مهدوی علیه السلام.

۱. «آرزویی که داشتیم و داریم، این است که ما با این کتاب عزیز، الفت و انس پیدا کنیم» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۶۴ - کنگره پنجم نهج‌البلاغه)

اخلاص و گمنامی

تأکید:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ»^۱

امر نشده بودند مگر بر اینکه خدا را به اخلاص کامل پرستش کنند.

تعریف:

اخلاص یعنی اینکه نیت و اعمال ما فقط و فقط برای خدا باشد و اینکه نخواهیم کسی جز خداوند ما را به خاطر اعمالمان ستایش کند.

بینش:

- ۱- اخلاص این نیست که دیگران تو را نبینند، بلکه این است که تو دیگران را نبینی و نگاهت به الله باشد؛ با قطع طمع از دنیا و اهل دنیا است.
- ۲- اعتقاد به این نکته که جز خدا هیچ کس توان پاداش دادن به اعمال خیر ما را ندارد و نیز اینکه تمام خیرها و برکات و آبرو و عزت، فقط و فقط نزد خداوند است و به هر که بخواهد عطا می کند.
- ۳- بیان آفات عدم اخلاص و انجام کاری به قصد ریا یا به قصد گرفتن پاداش دنیوی
- ۴- آشنایی با مراتب اخلاص و مرحله کمال اخلاص؛ که حتی انسان، اعمال صالح را برای بهشت و پاداش اخروی و یا حتی تحصیل مقامات معنوی هم انجام ندهد و صرفاً نیتِ اعمال، لوجه الله باشد.^۲

۱. سوره بینه آیه ۵

۲. آداب الصلوة- امام خمینی

۵- توجه به این اصل قطعی که ثواب اعمال با اظهار آن به قصد خودنمایی و ریا کاملاً تباه می‌شود.

گرایش:

- ۱- اشتیاق به معامله‌ی شخصی با خداوند؛ به طوری که هیچ کس در آن شریک نباشد.
- ۲- درک و باور این نکته که عزت و ذلت فقط در دست خداوند است و ریا و خودنمایی معمولاً منجر به ذلت می‌شود نه عزت.
- ۳- تنفر و انزجار از تعریف و تمجید مردمی که هم در دنیا و هم در آخرت، نه چیزی را می‌توانند به ما بدهند و نه چیزی را بگیرند؛ اگر خداوند نخواهد.

منش:

- ۱- نیت الهی کردن در کارها، بیان نکردن توفیقات و قطع طمع از تعریف و پاداش دیگران.
- ۲- چله‌گیری اخلاص: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ - هر کس که چهل شبانه‌روز با اخلاص عمل کند خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب او می‌جوشاند»^۱ (پیامبر اکرم ۶)
- ۳- گاهی اوقات برای محک میزان خلوص اعمال، در جمع‌ها و مکان‌هایی جدید به صورت ناشناس اعمال صالح را انجام دادن.
- ۴- مدام مراقبه کردن و تفتیش نیت نمودن، چرا که در این خصوص مکاید نفس و حيله‌های شیطان بسیار ظریف، و محاسبه‌الهی هم بسیار شدید می‌باشد.^۲
- ۵- با دعا و مناجات و تضرع دائماً توفیق انجام اعمال صالح را مسألت نمودن.^۱

۱. بحار الانوار - ج ۶۷ - ص ۲۴۹

۲. «أَخْلِصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ» (بحار النوار - ج ۱۳ - ص ۴۳۲) (در عمل خویش اخلاص کامل داشته باش چرا که منتقدی بصیر مشرف بر کارهای توست).

۶- ثواب و اصل اعمال صالح را بلافاصله پس از عمل، پیشکش حضرت ولی عصر علیه السلام کردن و طمع نفس و شیطان را از تباه کردن عمل با ریا و خود-نمایی بریدن.

۱. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُحَسِّنَ [تَحْسُنَ] فِي لَمِيعَةِ الشُّيُوفِ عَلَانِيَتِي...» (نهج البلاغه - ص ۵۲۴) (خدایا بتو پناه برم از اینکه در دید چشمان، ظاهرم نیکو باشد).
 «وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي...» (دعای پس از نماز صبح) (اصول کافی - ج ۲ - ص ۵۲۰)

تبعیت آگاهانه از امتداد ولایت شیعی

تأکید:

«ولایت فقیه از اموری است که تصور آن موجب تصدیقش می‌شود.»^۱

تعریف:

یقین در باور و تبعیت در عمل، نسبت به ولی فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت که در فتنه‌های آخر الزمان ایمنی بخش و راهگشا است.

بینش:

- ۱- آگاهی از براهین عقلی و شرعی ولایت فقیه (مطالعه و دقت در اثر مختصر و مفید "ولی باید فقیه باشد" و سایر آثار موجود توصیه می‌شود).
- ۲- آگاهی از مواضع دشمنان پیرامون نقش و جایگاه ولایت فقیه.
- ۳- مقایسه وضعیت ثبات، پایداری، امنیت، پیشرفت و ... نظام مبتنی بر ولایت فقیه با سایر حکومت‌ها و انقلاب‌های اسلامی

گرایش:

- ۱- آشنایی با شخصیت ولی فقیه حاضر، امام راحل و مقایسه آن با رهبران دیگر حکومت‌ها.
- ۲- اطلاع از نسبت ولایت فقیه با امام عصر علیه السلام و تأییدات و حمایت‌های ایشان در عصر غیبت (به ضرورت قاعده لطف^۱). تا جایی که حتی یک مورد هم تصمیم

۱. کتاب ولایت فقیه - امام خمینی - صفحه ۹ - برگرفته از فصل دلایل عقلی کتاب "ولی باید فقیه باشد"

خلاف شرع و مصلحت در دوران غیبت از صاحبان این منصب الهی نمی‌توان یافت.

منش:

- ۱- آگاهی از مواضع ولی فقیه و تلاش در جهت تحقق آن مواضع و منویات به نیت مشق ولایت‌پذیری و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام
- ۲- التزام عملی به ولایت فقیه، تنها با تحقیق و یقین در این موضوع و تقوا و طهارت حاصل می‌شود.
- ۳- تلاش برای فهم حقانیت ولایت فقیه و تبیین و ترویج آن در بین اطرافیان

۱. روایات بسیاری در خصوص حفظ و صیانت حاکم عادل از خطا و لغزش، توسط خدای متعال به اقتضای لطف الهی به مسلمانان و عنایت ویژه امام زمان علیه السلام وجود دارد؛ مثل روایت شریف امام رضا 7 که فرموده‌اند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْأُمُورِ عِبَادَهُ سَرَّخَ صَدْرَهُ لِدَيْكٍ وَ ...» به راستی چون خدا بنده را برای اداره ← امور بندگان خود انتخاب کند، به او شرح صدر عطا کند و در دلش چشمه‌های حکمت بجوشاند و دانش خود را از راه الهام به او آموزد، که در پاسخ هیچ سوال و پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند مشمول کمک و تأیید است، از خطا و لغزش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقش برسد که او را درک کند، این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند و خدا صاحب فضل بزرگ است. (برگرفته از کتاب "ولی باید فقیه باشد" چاپ اول - ص ۵۳)

بصیرت

تأکید:

«و لا یَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمُ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَ الضَّرِّ وَ الْعِلْمِ بِوَضْعِ الْحَقِّ»^۱

و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند.

«شخصیت‌های عظیم تاریخ، غالباً از دوران جوانی، بلکه از دوران نوجوانی، برخی از خصوصیات را با خود همراه داشته‌اند و یا در خود به وجود آورده‌اند...
امیرالمؤمنین 7 از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر» - بیداری و پایداری - را با خود همراه داشت. او یک لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیت‌ها نشد...
این دو خصوصیت در امیرالمؤمنین 7 قابل تقلید و قابل پیروی است. کسی نمی‌تواند بگوید که اگر امیرالمؤمنین 7 صبر و بصیرت داشت به‌خاطر این بود که امیرالمؤمنین 7 بود. همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین 7 نزدیک کنند؛ هر چه همت و استعدادشان باشد...»^۲

تعریف:

بصیرت به معنای بینایی است و در اصطلاح نیرو و قوت قلبی و فکری است که با عنایت الهی، صاحب آن می‌تواند حقایق را به موقع دریابد؛ و بر اساس آن عمل نماید.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۷۳

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه در سالروز میلاد امام

علی 7 ۱۳۷۷/۰۸/۱۲

بینش :

«عاشورا درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر برای انسان بصیرت لازم است، بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند، بی‌بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار می‌گیرند، بدون اینکه خود بدانند، همچنان که در جبهه این زیاد کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند.»
(رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۱/۴/۲۲)

گرایش :

- ۱- در حوادث فتنه‌گون آخرالزمان جز با کمک بصیرت و صبر نمی‌توان ایمان را حفظ، راه را پیدا و دین خدا را یاری نمود.
- ۲- بصیرت نه تنها برای عصر غیبت بلکه در زمان ظهور نیز راه‌گشا و ضروری است.
- ۳- توجه به اینکه هر اقدامی بدون بصیرت، ممکن است انسان را روز به روز از هدف خود دورتر کند.^۱

منش :

موارد ذیل در بصیرت‌افزایی بسیار مؤثر است:^۲

- ۱- ایمان و تقوا^۳

۱. «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا» (کسی که بدون بصیرت عمل کند همچون کسی است که در بیراهه می‌رود؛ چنین کسی هر چه تندتر رود، از هدف دورتر می‌شود). «امام صادق ۷ امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۳»

۲. موارد فوق از فرمایشات رهبر معظم انقلاب استخراج شده است.

۳. «إِنَّ تَقْوَا اللَّهِ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا» -سوره انفال - آیه ۲۹

- ۲- اقامه نماز، نوافل و دعا^۱
- ۳- تدبیر در قرآن و نهج البلاغه^۲ (مطالعه، حفظ و به کارگیری آیات و روایات کاربردی و بیناتی)
- ۴- مطالعه و گفتگوی استدلالی با افراد روشن‌بین و مورد اعتماد.^۳
- ۵- تبعیت از ولی فقیه و پیگیری و مطالعه فرمایشات آن بزرگوار.^۴
- ۶- عمل به آگاهی‌ها.^۱

«آنچه که بصیرت و بینش انسان را در قضایای مختلف و در حوادث گوناگون و زیر غبار تبلیغات جنجال‌آمیز دشمنان تضمین و حفظ می‌کند، دل مؤمن و پاک و نورانی است.» «دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود.» (رهبر حکیم انقلاب - بیانات در اجتماع بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا ۱۳۸۲/۰۶/۲۹)

۱. «... وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي» - دعای پس از نماز صبح
 «...نماز، آنگاه که با حال و حضور و آداب، گزارده شود روح آدمی را به نیازمندی ذاتی وی آشنا می‌سازد، و ریشه‌ی کبر و تفاخر و جبروت موهوم را در درون او می‌سوزاند. خشوع در برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل او می‌تاباند و سایه‌ی وهم آلود خود بزرگ بینی را از آن می‌زداید.» (رهبر حکیم انقلاب - پیام به سمینار نماز ۱۳۷۹/۶/۱۹)

۲. «در سایه‌ی قرآن است که معرفت و بصیرت و شجاعت و اقدام ما معنا پیدا می‌کند و به سمت هدف‌های درست متوجه می‌شود.» (سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

۳. «این بی‌بصیرتی را به‌خصوص شما جوان‌ها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسان‌های مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمی‌خواهم - از بین ببرید. کسانی هستند که می‌توانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند.» (بیانات در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۰۵/۱۸)

۴. انسانی که هنوز دارای بصیرت کافی برای پیدا کردن راه نیست؛ می‌تواند به بصیرت مقتدایی بصیر اقتدا و راه را پیدا کند و خود را نجات دهد.

«در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم - که با صبر و مقاومت آنها همراه بود - این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود.» (سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ؛ ۱۳۷۰/۰۳/۱۴)

«امام راهشان روشن بود، شیوه‌شان معلوم بود و می‌دانستند که چه می‌خواهند. شیوه‌ی امام عبارت بود از شیوه‌ای که پیامبران آن را می‌پیمودند؛ یعنی تزریق ایمان و باور عمیق، همراه با بصیرت و آگاهی و تأمل و فکر در مخاطبان خود. چنین روشی به‌طور طبیعی استعدادها را شکوفا می‌کند و کادرها را پرورش می‌دهد.» (بیانات در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

- ۷- مطالعه تاریخ.
- ۸- دشمن شناسی^۲ و تحلیل سیاسی برای کسب توانمندی تشخیص مرز خودی و غیر خودی.

۱. «إِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا...» (نهج البلاغه - حکمت ۲۷۵) به این معنا که انسان وقتی حقانیت موضوعی برایش روشن شد بر اساس آن آگاهی اقدام نماید (اقدام لازم را در موقوع لازم انجام دادن) که اگر چنین کرد خداوند وعده کرده است که مجهولاتش را نیز به معلومات و آگاهی‌ها تبدیل نماید.

۲. «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ» (غررالحکم، حدیث ۸۶۷۲) کسیکه از دشمن غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد.

حق پذیری

تاکید:

«... قَبَشْرَ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...»^۱

(پس بندگان مرا بشارت ده! همان‌هایی را که سخنان را می‌شنوند و از بهترین سخن آن پیروی می‌کنند).

تعریف:

حق‌پذیری، به این معناست که اگر انسان حق را تشخیص داد، در هر شرایطی حتی اگر به ضرر او یا اطرافیان‌ش باشد، آن را بپذیرد.^۲

بینش:

- ۱- کسانی که زیر بار باطل نمی‌روند و حق را می‌پذیرند، بشارت داده شده‌اند.^۳
- ۲- هیچ‌گاه عمل گذشتگان و نظر اکثریت ملاک و معیار حق یا باطل نخواهد بود.
- ۳- معیار حق، گزاره‌های معتبر دینی و حجت قطعیه عقلی است.
- ۴- طبق آیات قرآن کسانی که حق را می‌فهمند و به‌خاطر دنیا نمی‌پذیرند، مشمول عذاب‌های سختی در دنیا و آخرت شده و شامل هدایت الهی نخواهند شد.^۱

۱. سوره زمر - آیات ۱۷ و ۱۸

۲. «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِيَ الْحَقَّ وَ إِنْ صَرَكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ إِنْ نَفَعَكَ» (نشانه ایمان راستین آن است که حق را

هرچند به زیانت باشد بر باطل منفعت آور ترجیح دهی.) «امام صادق علیه السلام، بحار، ج ۲، ص ۱۱۴»

۳. «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى...» (کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به

سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست...) (سوره زمر - آیه ۱۷)

گرایش:

۱. خودسازی‌ها و مراقبت‌ها برای این است که ما در لحظه‌های انتخاب زندگی‌مان بتوانیم حق را انتخاب کنیم و در موقع لازم اقدام لازم را انجام دهیم.
۲. همانطور که ایستادگی در مقابل باطل باشکوه است، نرمش و کرنش در مقابل حق نیز همواره زیبا و نشانه مردانگی است.
۳. حق ناپذیری معمولاً یا در اثر نفهمیدن حق است و یا در اثر بی‌بصیرتی، و یا کتمان و انکار حق به دلیل تعارض با منافع دنیایی که ریشه آن بی‌تقوایی و دنیاطلبی است. لذا می‌بایست این موضوع درمان ریشه‌ای شود.
۴. یکی از ویژگی‌های طلایی دوران جوانی، حق‌پذیری و دوری از تعصبات فردی، به دلیل زلال‌تر بودن فکر و روح و سبک بودن تعلقات دنیایی است.
۵. یک سنت الهی و یک اصل تاریخی است که کسانی که زیر بار حق نمی‌روند، نمی‌میرند مگر آن‌که در برابر باطل خوار و ذلیل شوند.^۲

منش:

- ۱- پرهیز از پذیرش یا رد هر سخن و یا موضوعی قبل از تفکر و سنجیدن آن با موازین و معیارهای شرعی و عقلی.
- ۲- همواره در حق‌پذیری‌ها و ایستادگی‌ها در مقابل باطل، مبهوط جمعیت‌ها شدن و تحت تاثیر جوها قرار نگرفتن.

۱. سوره مبارکه بقره - آیات ۱۷۴ تا ۱۷۶ / سوره انعام - آیات ۶۵ و ۶۶ / سوره غافر - آیه ۵

۲. مثل این روایت که «مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَليِّهِ اَتَّبَعَهُ بِوِطْءِ عَدُوِّهِ» هر کس زیر بار حرف ولی الهی و یاری او نرود، وقتی به خود آید که زیر بار دشمن است. «غررالحکم، ص ۶۳۰، حدیث ۱۰۱۸»

- ۳- به درمان جدی ریشه‌های حق‌ناپذیری همت گذاشتن، نظیر: تکبر، حسد، غرور، بی‌تقوایی، دنیاطلبی، ناآگاهی و..
- ۴- پس از شناخت حق، بی‌درنگ به یاری آن شتافتن.

تکلیف‌گرایی

تأکید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

هرکس به میزان وسعش از جانب خداوند مکلف می‌باشد.
«همه‌ی ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه» (امام خمینی^۱);

تعریف:

تکلیف را شناختن و در مسیر انجام آن با درایت و دقت و با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مشروع، مجاهدت کردن.

بینش:

- ۱- تکلیف‌گرایی به معنای بی‌توجهی به نتیجه نیست.^۲
- ۲- تکلیف‌گرایی باید همراه با تدبیر و درایت و برنامه باشد.^۱

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۵

۲. «این‌طور نیست که ما به نتیجه کاری نداریم... بلکه ما نتایج و اهداف معنوی را فراتر از دست‌آوردهای معنوی می‌دانیم. ما معنویت را فدای مادیت نمی‌کنیم... و البته تمام نهضت‌هایی که دنبال نتایج مادی بودند در ایران شکست خوردند، تنها نهضتی که به پیروزی رسید نهضتی بود که دنبال وظیفه و تکلیف بود و نه نتیجه.»
(دکتر رحیم‌پور ازغدی)

۳- شناخت مبانی مدرنیته و تعارض جدی نگاه‌های سودجویانه، منفعت‌طلبانه و انسان‌محورانه آن با اهداف متعالی تکلیف‌گرایانه

۱. امام حسین 7 با اینکه اطمینان از شهادت داشتند در روز عاشورا حدود ۳۰ تاکتیک نظامی طراحی و استفاده کردند.

گرایش:

- ۱- ائمه ما تکلیف‌گراترین انسان‌ها بودند.^۱
- ۲- مطالعه سرنوشت شوم نتیجه‌گرایان در تاریخ.^۲
- ۳- آشنایی با جلوه‌های زیبای تکلیف‌گرایی در نهضت عاشورا.^۳
- ۴- در هر حال برای انسان تکلیف‌گرا، نتیجه محقق است!^۴
- ۵- رنج‌ها و سختی‌های ناشی از انجام تکالیف الهی، راحتی‌ها و آرامش‌های پایدار را در پی خواهد داشت.^۵
- ۶- انسان تکلیف‌گرا ترس و اضطرابی ندارد.^۱

۱. اهل بیت (علیهم‌السلام) قدمی بر نمی‌داشتند مگر آنکه تکلیفی ادا و یا حکمی از احکام الهی اجرا می‌شد: پذیرش خلافت توسط امیرالمومنین (خطبه ۳ نهج‌البلاغه - ذکر دلایل) و قیام امام حسین ۷ (إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ يُطْرًا وَلَا أَشِيرًا) و صدها نمونه دیگر در زندگی اهل بیت شاهدهی بر این مدعاست.
۲. ترک تنگه‌ی استراتژیک احد به هوای غنائم و شهادت عده‌ی کثیری از انصار و مجروحیت پیامبر ۶، یاری مشروط "ضحاک بن عبدالله" و ترک حضرت اباعبدالله الحسین ۷ پس از اطمینان از عدم حصول نتایج مادی، بیعت شکنی کوفیان نتیجه‌گرا و مصلحت‌اندیش‌ها و ...
۳. بی‌تفاوتی حضرت علی اکبر ۷ نسبت به حصول نتیجه یا مرگ در راه خدا پس از اطمینان از حقانیت مسیر «افلسنا علی الحق؟... فإذن لا أبالی بالموت» و ...
۴. « قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَنَ اللَّهُ فَلَيتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْتِدِينَا فَتَرْبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ » (بگو: «جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد. او سرپرست ماست، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم») (سوره توبه، آیات ۵۱ و ۵۲).
۵. «بشر در تکلیف و قبول زحمت است که می‌تواند قله‌ها را فتح کند. ... راحتی ناشی از زحمت و تلاش، مثل راحتی آن ورزشکاری است که ورزشش را می‌کند، رنج را می‌پذیرد و بعد می‌آید بدنش را شستشو می‌دهد احساس آسایش، آرامش و اقتدار جسمی و روحی می‌کند... اما راحتی ناشی از تنبلی مثل راحتی بیمار در بستر بیماری است...» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۹/۵/۱۲)

- ۷- تکلیف‌گرایی، فرد را از سطح توانایی خود فراتر می‌برد و نگاه او را به سمت اهداف کلان و بلندمدت سوق می‌دهد.^۲
- ۸- مکلف، انسانی است که این شرافت را یافته است تا مخاطب خداوند قرار گیرد.
- ۹- فارغ از موارد فوق! امتثال امر و تحقق اراده الهی، خود مهمترین هدف و نتیجه است.

منش:

- ۱- کشف دائمی تکلیف با قطب‌نمای "بصیرت"
- ۲- پرهیز جدی از تکلیف‌تراشی و تکلیف‌گزینی به جای تکلیف‌شناسی و تکلیف-گرایی واقعی.^۳
- ۳- نترسیدن و نه‌راسیدن از سرزنش‌های همیشگی لوآمان و خناسان در مسیر شناخت و عمل به تکلیف.
- ۴- دعا و درخواست عاجزانه برای شناخت و انجام وظایف و تکالیف.^۴
- ۵- تعلقات و تکلیفات دنیایی همواره مانع جدی در مسیر قیام لله و عمل به تکالیف است، پس باید کوشید تا از آن‌ها در عمل فاصله بگیریم.

۱. «... از چه باید بترسیم؟ آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی ندارد.» (امام خمینی علیه السلام - صحیفه نور، ج ۱، ص ۷۲)

۲. سرمشق تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام - نوشته غلامرضا ذاکر صالحی

۳. گاهی انسان تمایلات و تعلقات خود را به جای تکالیفش بر خود عرضه می‌کند و خود را این‌گونه می‌فریبد: «أَجْعَلُنَّكُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.. قرآن کریم هیچ‌گاه سیراب نمودن حاجیان و عمران و آبادی مسجدالحرام را که دو امر مقدس و ارزشمند است، جایگزین تکلیف مجاهدت در راه خدا نمی‌داند.» (سوره توبه آیه ۱۹)

۴. « وَ اسْتَغْمِلْنِي مِمَّا تَسْأَلْنِي غَدًا عَنْهُ - خداوندا مرا به انجام تکالیفی که فردای قیامت از من در موردشان خواهی پرسید، امروز و در این دنیا موفق بدار.» (امام سجاد ۷ - صحیفه سجاده، دعای بیستم)

امید و استقامت

تأکید:

«وَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۱

(اگر استقامت می کردند؛ نعمتی فراوان روزیشان می کردیم)

تعریف:

در راه حق، با امید به تحقق وعده‌های الهی، صبر و استقامت داشتن؛ مأیوس نشدن و از پای نیفتادن

بینش:

- ۱- حرکت‌هایی که ریشه در بینش و معرفت و محرک‌های الهی داشته باشند، مأیوس از کاستی‌ها و سختی‌ها نخواهند شد و در مقابل موانع و مشکلات از پای در نخواهند آمد.
- ۲- حرکت‌هایی که ناشی از محرک‌های دنیایی و یا صرفاً تحت تأثیر عواطف و احساسات آغاز شده باشند، خیلی زود منجر به یأس و توقف خواهند شد.
- ۳- امید و استقامت، دست‌آورد یقین در باورها، شناخت سنت‌ها و وعده‌های الهی، توکل، اخلاص، بصیرت و سلوک سخت‌گیرانه^۲ است.

۱. بحارالأنوار - ج ۲ - ص ۱۵۱

۲. ناز پروردگی و راحت‌طلبی همواره امکان استقامت و پایداری را از انسان سلب می‌کند. «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أُضْلِبُ غُودًا و...» (درختان بیابانی چوبی محکم‌تر و آتشی ماندگارتر دارند). (امام علی ۷ - نهج البلاغه - نامه ۴۵)

۴- استقامت در اهداف و ارزش‌ها لازم است، نه در روش‌ها.^۱

گرایش:

- ۱- «کسانی که پایداری و استقامت می‌کنند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شود؛ یعنی در همین حال حیاتِ دنیویشان با ملکوتِ اعلیٰ ارتباط پیدا می‌کنند و از لحاظ روحی و فکری و روانی به یک ذخیره تمام‌نشده متصل می‌شوند و هیچ ترس و اندوهی بر آن‌ها سایه نخواهد افکند.»^۲
- ۲- هجوم و سختی بیشتر برای مؤمنان، ایمان و استقامت بیشتر به همراه خواهد داشت.^۳
- ۳- آنان که به پیامبر گرویده‌اند، مأموریت استقامت دارند.^۴
- ۴- تنها کافران از خداوند مأیوس می‌شوند.^۱

۱. «در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح و رفع خطا جزء کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد. استقامت در روش‌ها لازم نیست... اما در زمینه اهداف باید قرص و محکم بایستیم و یک قدم پائین نیاییم» (رهبر حکیم انقلاب - مجلس خبرگان - ۱۳۸۳/۶/۳۱)
۲. رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۸۰/۹/۲۱؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (سوره فصلت - آیه ۳۰) همانا کسانی که گفتند: پروردگاری ما خداست؛ سپس بی هیچ انحرافی بر این سخن ثابت قدم ماندند، فرشتگان با این پیام بر آنان فرود می‌آیند که: نترسید و اندوه مدارید و مزه باد شما را به بهشتی که آن را به شما وعده می‌دادند.
۳. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (سوره آل عمران - آیات ۱۷۳ و ۱۷۴) (همانان که آن مردم (مزدوران دشمن) به ایشان گفتند: مشرکان برای پیکار با شما گردآمده اند، از آنان بترسید. ولی نه تنها نترسیدند بلکه بر ایمانشان نیزافزوده شد و گفتند: خدا ما را بس است و او نیکو کارگزار است. پس با نعمت و بخشش خدا، از تعقیب دشمن بازگشتند، در حالی که هیچ گزندی به آنان نرسیده بود. آنان خشنودی خدا را پی گرفتند [و خدا نیز فضل خود را از آنان دریغ نکرد] چرا که خداوند دارای فضل و بخششی بزرگ است).
۴. «آن چیزی که نگرانی پیامبر ﷺ هست، [این است] که مبدا ملتش استقامت نکنند؛ فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ (سوره هود - آیه ۱۱۲) و این امر خدا را اطاعت نکنند. ما باید کاری بکنیم که نگذاریم این نگرانی در حق ما ثابت بشود.» (امام خمینی رحمته الله علیه صحیفه نور - ج ۱۹ - ص ۲۱۷)

۵- یأس و ترس از جنود شیطان است.^۲

منش:

- ۱- تقوا، توکل، اخلاص، بصیرت، تکلیف‌گرایی، ساده‌زیستی و ... مومن را کالجبل الراسخ می‌کند.
- ۲- دعا و مناجات انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند.^۳
- ۳- تلاش برای تحت تأثیر قرار نگرفتن القائنات مأیوس کننده.^۴
- ۴- معاشرت و همنشینی کردن با انسان‌های پرشور و صاحب عزم و اراده و استقامت.
- ۵- ارتباط و اتصال با جمع‌های سالم و سازنده.^۵
- ۶- ایجاد روحیه امیدآفرینی و یأس‌شکنی در خود و دیگران.^۶

۱. «لا تَيَأسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَئَأسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (از فرج و رحمت خدا نومید نشوید، که جز کافران از رحمت خدا نومید نگردند) (سوره یوسف - آیه ۸۷).
۲. «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (سوره آل عمران آیه ۱۷۵) (این فقط شیطان است که شما مؤمنان را از دوستان شرک پیشه خود می‌ترساند).
۳. «دعا دمیدن روح امید در انسان است... دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در برابر حوادث مستحکم می‌کند» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۰/۵/۳۰)
۴. «دشمنان از راه‌های مختلف، مدام القا می‌کنند که همه چیز در سراسیمه سقوط است... تا امید و استقامت ما را بشکنند. (همان)
۵. «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.» (سوره آل عمران - آیه ۲۰۰)
۶. «و تواصوا بالصبر»- همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به ایستادگی، به پیروی از حق ... همدیگر را نگه داریم؛ و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۹/۶/۲۵)

اهل درد و دغدغه بودن

تأکید:

« مَنْ أَصْبَحَ لَيْهَتَهُ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي: يَا لَلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يُجِبْهُ، فَلَيْسَ مِنْهُمْ »^۱

(هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.) پیامبر اکرم 6

تعریف:

نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت و بی خیال نبودن. وبا بی‌قراری و دردمندی در رفع مشکلات و اصلاح امور تلاش کردن.

بینش:

- ۱- «معیار اصلی انسانیت آن چیزی است که از آن به "درد داشتن" و "صاحب درد بودن" تعبیر می‌شود.»^۲
- ۲- بی‌دردی و بی‌تفاوتی خیلی زود به بی‌غیرتی و بی‌حمیتی و پس از آن حتی به بی‌غیرتی کامل (دیوثی) منجر می‌شود.
- ۳- اطلاع از مبانی اومانستی و لیبرالیستی خودخواهی، بی‌خیالی و بی‌دردی و تعارض جدی آن با مبانی اسلامی و انسانی.

۱. کافی- ج ۲- ص ۱۶۴- ح ۵

۲. انسان کامل - شهید مطهری - ج ۴۲ - ص ۵۹

- ۴- آگاهی از فجایع تاریخی ناشی از بی‌تفاوتی و بی‌دردی مسلمانان (سقیفه، دارالاماره کوفه، عاشورا و...)
- ۵- آشنایی با دردها و دغدغه‌های مقدس و شرعی مانند: درد محرومان و مستضعفان، درد مظلومان، درد جهالت و گمراهی، دغدغه دل‌های زندگان و ...^۱
- ۶- اطلاع از عوامل بی‌تفاوتی و بی‌دردی: رزق حرام، تربیت خانوادگی، محیط فاسد، بی‌اعتقادی، ترویج مدرنیته، عرفان‌های خنثی و ... و مجاهدت برای اصلاح آن.

گرایش:

- ۱- انس با کتاب دردها و دردواره‌های یک انسان کامل: "نهج البلاغه"
- ۲- اطلاع از عوامل بی‌تفاوتی و بی‌دردی: ذات، رزق حرام، خانواده، محیط، بی‌اعتقادی، ترویج مدرنیته، عرفان‌های خنثی و ... و مجاهدت برای اصلاح آن.
- ۳- مصاحبت و مجالست با انسان‌های مؤمن، مجاهد و غیور و پرهیز از همنشینی با افراد بی‌غیرت و بی‌دغدغه.
- ۴- مشاهده بعضی دردهای پیرامون نظیر: فقرها، محرومیت‌ها و مصائب

منش:

- ۱- انزجار همیشگی از بی‌خیالی و بی‌تفاوتی، ثمره بینش و گرایش صحیح در این خصوص خواهد بود.
- ۲- اهتمام به انجام واجبات و ترک محرمات.
- ۳- خدمت به خلق خداوند مخصوصاً محرومین و مستضعفین.
- ۴- حساسیت در رزق و روزی حلال و پرداخت مبالغی صدقه مستمر به منظور "ردّ مظالم" چرا که روزی شبهه‌ناک در بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی انسان فوق‌العاده اثر دارد.

۱. امام علی 7: «وَ يَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَ هُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَخْيَانِهِمْ» (اهل دنیا نگران مرگ بدن‌هایند، اهل آخرت نگران مرگ دل‌های زندگان) «نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰»

- ۵- پرهیز از شادخواری‌های بی‌توجه به منعم و بی‌تفکر در حال محرومین و لذت طلبی‌های فردی^۱
- ۶- دائماً به یاد دردها و دغدغه‌های غیورترین انسان روی زمین، حضرت ولی عصر علیه السلام بودن.^۲

۱. «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْجَنَّةِ الْعَظِيمِ» (سوره واقعه - آیات ۴۵ - ۴۶)
 (این بدان سبب است که آنان پیش از این در دنیا، در اثر نعمت‌های خدا سرمست شده و بخشنده نعمت را از یاد برده بودند. و ...)

۲. «عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى ...» برای من سخت و دشوار است که شمارا دردها و نگرانی‌ها فراگرفته است و من در آسایش باشم ... «دعای ندبه»

غیرت دینی (امر به معروف و نهی از منکر)

تاکید:

«أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ
لُجِّي...»^۱

(همه اعمال خیر و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره-
ای در مقابل دریاست.)

بینش:

- ۱- از علائم حیاتی مومن، امر به معروف و نهی از منکر کردن است.^۲
- ۲- ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب تسلط اشرار و ذلت مومنین می شود.
- ۳- یقین به وعده امیرالمومنین 7 که امر به معروف و نهی از منکر نه اجل کسی را جلو می اندازد و نه آبروی کسی را می برد، بلکه عمل به آن به انسان عزت می دهد و ترک آن انسان را خوار و ذلیل می کند.^۳
- ۴- توجه به این نکته طلایی تربیتی برگرفته از فرمایش معصوم 7 که امر به معروف و نهی از منکر با نیت الهی، خود انسان را به مرور آراسته به معروف و دور از منکر می کند.^۱

۱. نهج البلاغه - حکمت ۳۷۴

۲. «وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنكَارِ الْمُنْكَرِ يَلْسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيْتُ الْأَخْيَاءِ» هر کس با زبان و قلب و دست، نهی از منکر را
رها کند مرده‌ای میان زندگان است. (نهج البلاغه- حکمت ۳۷۴)

۳. بحار الانوار- ج ۱۰۰- ص ۷۴

- ۵- امر به معروف و نهی از منکر آخرین وصیت حضرت امیرالمومنین ۷ است.^۲
- ۶- آشنایی با شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر.

گرایش:

- ۱- همانطور که آورده شد از روایات چنین برمی آید که ملاک و محک زنده بودن حقیقی انسان مومن، عمل به این فریضه است بنابراین می توان چنین گفت:
- من امر به معروف و نهی از منکر می کنم پس هستم؛ اگر چنین نمی کنم، آدمی ترسو و حقیر هستم که بود و نبودم در این عالم تفاوتی ندارد.
- ۲- عنایت به این موضوع که امر به معروف و ناهی از منکر، آبروی خود را با خداوند معامله می کند و چه معامله ای از این پرسودتر؟
- ۳- آشنایی و معرفی جلوه های با شکوه غیرتورزی در تاریخ؛ از پیامبر و ائمه معصومین : تا امام خمینی ؛ و شهید سید مجتبی نواب صفوی و ...
- ۴- توجه به این نکته که هرکس امر به معروف نکند در آن عمل شریک است مادامی که فرد عامل، آن عمل را انجام می دهد.
- ۵- توجه به اینکه برای حاکم کردن معروف ها در جامعه، نقش حکومت بسیار مهم است؛ پس به این نیت باید کسب علم و تقوا کرد تا با قرار

۱. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْ عَنِ الْمُنْكَرِ» به نیکوکاری امر کن تا خود در زمره نیکوکاران در آیی» (نهج البلاغه - نامه ۳۱)

۲. «لَا تَرْكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلَّ عَلَىكُمْ أَشْرَارُكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که انسان های شرور بر شما مسلط می شوند سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی شود).

- گرفتن در جایگاه‌های حساس و تاثیرگذار نظام، به امر به معروف و نهی از منکر اساسی پرداخت.^۱
- ۶- امیر المومنین علیه السلام یکی از علل مهم سرزنش یاران و سقوط کوفیان را بی‌غیرتی و بی‌حمیتی می‌دانند.^۲

منش:

- ۱- هدف از امر به معروف و نهی از منکر انتشار خوبی‌ها در جامعه و جلوگیری از عادی شدن منکرات در آن است. پس بهتر است پیش از هر اقدامی با مطالعه پیرامون مراتب، شرایط، احکام و روش‌های آن آشنایی کاملی با موضوع حاصل شود تا بیشترین احتمال تاثیر را داشته باشد.
- ۲- اخلاقی‌ترین و موثرترین شیوه عمل به این فریضه آغاز از خود، خانواده و اطرافیان است (قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا^۳).
- ۳- اولین قدم در مواجهه با منکرات، انزجار حقیقی قلبی از عمل زشت آنهاست (که اگر انسان در مواجهه با منکرات چنین حالتی نداشته باشد باید نسبت به اصلاح خود اقدام جدی بنماید). قدم بعدی تذکر لسانی است که حتی‌الامکان در خلوت و با رعایت احترام و ادب صورت گیرد، و قدم آخر در صورتی که منکر به قدری بزرگ باشد و لزوم برخورد با آن فوری، نظیر حفظ جان، آبرو و ناموس خود یا دیگران، اقدام عملی است.
- ۴- پرهیز از دوستی و همنشینی با کسانی که اصرار بر گناه علنی دارند؛ زیرا زمینه بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی را در انسان فراهم می‌آورد.
- ۵- تمرین مکرر کسب جرأت و جسارت‌لازم حتی در مواردی که لزوم اقدام و قیامی فوری ولو یکه و تنها^۴ در جمع وجود دارد.^۱

۱. این مطلب در خطبه منای امام حسین علیه السلام در تحف العقول به تفصیل بیان شده است.

۲. نهج البلاغه-خطبه ۱۸۰

۳. سوره تحریم - آیه ۶

۴. «إِنَّمَا أُعْطِمْكُمْ يَوْجِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَلٍ» (فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید) (سوره سبا - آیه ۴۶)

- ۶- محصور نکردن دایره امر به معروف و نهی از منکر در چهار چوب تنگ مسائل فردی؛ و نگاه واقع‌بینانه داشتن در تشخیص و مبارزه با منکرات نظیر بی‌عدالتی، تجمل‌گرایی مسئولین، ویژه‌خواری، ظلم، کوتاهی و کم‌کاری، غارت بیت‌المال و ... و همچنین اهتمام به فعالیت‌های تشکلی برای ایجاد مطالبه عمومی در این مسائل.
- ۷- هدف از امر به معروف و نهی از منکر انتشار خوبی‌ها در جامعه و جلوگیری از عادی شدن منکرات در آن است. پس بهتر است پیش از هر اقدامی با مطالعه پیرامون مراتب، شرایط، احکام و روش‌های آن آشنایی کاملی با موضوع حاصل شود تا بیشترین احتمال تاثیر را داشته باشد.

۱. اشاره به مفهوم قوام بالقسط بودن (بسیار قیام کردن در راه عدالت) (نساء- ۱۳۵)

زهد و ساده زیستی

تاکید:

«أَوَّلُ الزُّهْدِ التَّزَهُدُ»

(نخستین گام زهد، ساده زیستی است).^۱

تعریف:

ساده زیستی به معنای کم‌کاری و کم درآمدی و سخت‌گیری به خانواده و اطرافیان نیست، بلکه به معنای استفاده محدود و در حد نیاز از امکانات و ابزارهای دنیایی و پرهیز از خرید و مصرف کالاهای لوکس و غیر ضروری می‌باشد.^۲

بینش:

ساده زیستی به معنای تحمل بی‌منطق و کورکورانه مصائب و سختی‌ها نیست. برخی دلایل و منطقی‌های ساده‌زیستی عبارتند از:

- ۱- هم‌دردی و همراهی با محرومان و مستضعفان
- ۲- ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود
- ۳- حفظ آمادگی برای شرایط سخت مواقع اضطرار با دوری از راحت‌طلبی و نازپروردگی

۱. امیرالمومنین ۷- غرر الحکم ج ۱- ص ۲۹۱

۲. «یعنی دنیا را آباد نکنیم! نه؛ آن دنیایی که گفته می‌شود، دنیای شخص است؛ یعنی خود شما دنبال تَکْیُّف (کیف بردن از خوشی‌ها و لذت‌ها) زندگی دنیایی نباشید و زندگی را ساده بگذرانید...» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

- ۴- با توجه به اینکه نفس انسان زیاده‌خواه و سیری‌ناپذیر است، در صورتی که این خصلت کنترل نشود، موجب تسلط نفس بر فرد می‌شود و لذا با ساده‌زیستی گامی در جهت کنترل نفس برداشته شده‌است.
- ۵- به جای هزینه‌های غیرضروری و از سر هوس و آبروداری‌های خیالی، سرمایه را در راه تولید و اشتغال و پیشرفت هزینه کردن.^۱

گرایش:

- ۱- تنها فجار هستند که مال دنیا را به جای امیرالمومنین ۷ پیشوا و پشتوانه خود می‌دانند.^۲
- ۲- سیره عملی همه انبیاء و پیامبران بر ساده زیستی توافق بوده است.
- ۳- اهل بیت: خود افرادی ساده زیست بوده‌اند و همواره به این نکته نیز تأکید داشته‌اند.^۳
- ۴- زهد و ساده زیستی یک منش مکتبی و خوی انقلابی است.^۴
- ۵- از ویژگی‌های ذکر شده برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام و یارانشان ساده‌زیستی است.
- ۶- اهل بیت همواره یاران خود را به ساده‌زیستی تشویق می‌کردند و در مواقعی که از یاران خود یاد می‌کردند، به خصلت ساده‌زیستی آنها نیز اشاره می‌کردند.^۵

۱. «پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش برد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی شده از هوس، چشم و هم چشمی و آبروداری‌های خیالی» رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۸/۱/۱

۲. «أَنَا يَعْشُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالُ يَعْشُوبُ الْفُجَّارَ» من پیشوا و پشتوانه مومنین هستم و مال دنیا پشتوانه فجار. (نهج البلاغه حکمت ۳۱۵)

۳. امام صادق ۷: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمُؤْتُونَ» مؤمن، پر کار و کم‌خرج است. اصول کافی- ج ۳- ص ۲۴۱

۴. «زهد اسلامی یک خصلت و یک صفت انقلابی است.» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

۵. ذکر خیر زید و صعصعة بن صوحان و... در نهج البلاغه توسط حضرت امیرالمومنین ۷ و ...

۷- ساده زیستی پاسخ انسان‌های دانا به زندگی ناپایدار دنیاست و در پرتو آن آرامش درونی و رفتاری و عزت و کرامت نفس حاصل می‌شود.

۸- عواقب اشرافی‌گری‌ها، تجمل پرستی‌ها، نازپروردگی‌ها و تکالب بر دنیا، بر اساس روایات غالباً اسارت شیطان، دوری از ارزش‌ها، بی‌توفیقی در انجام تکالیف الهی و در نهایت ذلت و سقوط است.^۱

منش:

- ۱- دوری از تجمل‌گرایی و اسراف به عنوان مفاهیم مقابل ساده‌زیستی و اکتفا به ابزار حداقلی و زندگی در حد کفایت.
- ۲- نه تنها پرهیز جدی از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، بلکه حتی به تعبیر امام راحل رحمه الله علیه، پرهیز از خُلُق مُترفین^۲ و خوی تجمل‌گرایی حتی در مواردی که امکان برخورداری و بهره‌مندی نیز فراهم است.
- ۳- مقابله فردی واجتماعی با فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی.
- ۴- صرفه‌جویی ویژه در مواردی که اسراف و تجمل‌گرایی در آنها در حال رشد روز افزون است، نظیر: انرژی (آب، گاز و ...)، لباس، وسایل نقلیه، وسایل ارتباطی و الکترونیکی (تلفن همراه، رایانه و ...) و مواد غذایی.
- ۵- نصب العین قرار دادن این توصیه معصومین : که در مسائل دنیایی به فرو دستان خود و در مسائل اخروی به فرا دستان خود بنگرید.
- ۶- محدودیت‌هایی ولو اندک برای خوردن و خوابیدن خود قائل شدن.

۱. «امروز آنچه که باید از آن خیلی ترسید، تکالب بر دنیاست؛ تکالب تعبیر خیلی پرمغزی است، تکالب یعنی مثل دو سگ بر سر یک جیفه به جان هم افتادن! ... خطر بزرگ، تکالب بر دنیاست. آن چیزی که عدالت اجتماعی را در جامعه ما به شدت تضعیف می‌کند اینست، آنچه که ...» رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۰/۲/۳۰ (

۲. مترفین: یک واژه قرآنی است به معنای رفاه‌زدگان و شادخواران

- ۷- اهمیت ویژه قائل شدن در انتخاب همسر و رفت‌وآمدهای پس از ازدواج، چرا که لازم است انتخاب الگوی ساده‌زیستی برای زندگی مشترک با آگاهی و انتخاب طرفین انجام شود.
- ۸- بدون هیچ‌گونه حرص و طمعی از تامین زندگی دنیایی آتی خود^۱ و فرزندان^۲ به انجام تکالیف دینی پرداختن^۳.

۱. «لَا تَحْمِلْ مِمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ...» همان که عمر فردایت را مقدر کرد روزی‌اش را هم مقدر نموده است (نهج البلاغه - حکمت ۲۶۷ و ۳۷۹)

۲. نهی شدید معصومین و خصوصاً امیرالمومنین: از مال اندوزی برای بازماندگان - نهج‌البلاغه حکمت ۲۶۹ و ۴۱۶ و ...

۳. «مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ» هرکس برای دین خود کار کند، خداوند دنیای او را کفایت می‌نماید. امیرالمومنین ۷ نهج‌البلاغه - حکمت ۴۲۳

شجاعت

تأکید:

«السَّخَاءُ وَالشُّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ، يَضَعُهَا اللَّهُ سَبْحَانَهُ فِيمَنْ أَحَبَّهُ وَامْتَحَنَهُ»^۱

(سخاوت و شجاعت خصلت‌های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده، می‌گذارد.) (امام علی ۷)

تعریف:

حریت و قوت قلب

بینش:

- ۱- مطالعه آیات و روایات در ستایش شجاعت و رشادت و مذمت ترس و ضعف.
- ۲- آشنایی با فرجام ترسیدن و هراسیدن.
- ۳- اطلاع از اینکه شیطان سلطنتش را بر پایه ترس‌ها و هراس‌های ما بنا نهاده است.^۲
- ۴- شناخت تفاوت‌های تهوّر با شجاعت.^۳

گرایش:

۱. غرر الحکم - ج ۱۸۲۰

۲. «الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ يُؤْمِرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ» - (شیطان همیشه ابتدا شما را می‌ترساند ...) (سوره بقره آیه ۲۶۸)

۳. امام حسن عسگری ۷ «أَنَّ لِلشُّجَاعَةِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ» به درستی که برای شجاعت حدی وجود دارد که اگر از آن بگذرد، بی‌باکی و تهوّر می‌شود. بحارالانوار-ج ۳-ص ۳۷۷

۱- آشنایی با شرح رشادت‌های مردان مجاهد.

- ۲- توجه به اینکه نتیجه هر کار دست خداست و کسی جز خدا در عالم موثر نیست.^۱
- ۳- توجه به اینکه شجاعت انسان با همت و اراده او ارتباط مستقیم دارد.^۲
- ۴- تمرین اظهار عقیده و نظر حق، حتی مخالف نظر دیگران و حتی مخالف نظر همه (در صورت اطمینان از موضع حق).
- ۵- تمرین سخنرانی در جمع.

منش:

- ۱- از آنچه می‌ترسید با آن روبرو شوید (خود را در آن افکنید).^۳
- ۲- تبدیل نقاط ضعف و ترس به نقاط قوت و قدرت با تمرین، تلاش و کسب مهارت.
- ۳- تمرین ابراز مخالفت با ناحق توأم با آرامش و ادب.
- ۴- تمرین اظهار عقیده و نظر حق، حتی مخالف نظر دیگران و حتی مخالف نظر همه (در صورت اطمینان از موضع حق).
- ۵- تمرین سخنرانی در جمع.
- ۶- پرداختن به کارهای سخت و دشوار با اشتیاق و اختیار
- ۷- قوأم بالقسط بودن:^۴ بسیار در راه خدا قیام کردن، حتی تنهای تنها.^۵

۱. «لا مؤثر فی الوجود إلا الله»- اصول کافی- ج ۵- ص ۱۶۳

۲. امیرالمومنین ۷ «شَجَاعَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ» شجاعت مرد به مقدار همت اوست (غررالحکم، حدیث ۵۷۶۳).

۳. حضرت علی ۷ نهج البلاغه - حکمت ۱۷۵

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...» (هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای عدالت

بسیار قیام کنید...)(سوره مائده - آیه ۸)

۵. «قُلْ إِنَّمَا أَعْطَٰكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ...» (بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم این که شما

خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هریک تنها قیام کنید...)(سوره سبأ - آیه ۴۶)

شهادت طلبی

تأکید:

«بالا تر از هر خیری خیر دیگری است، مگر شهادت در راه خدا که هیچ خیری بالاتر از آن نیست»^۱ «پیامبر ۶

تعریف:

اشتیاق به جان فشانی در راه خدا؛ بر اثر شدت ایمان و محبت به خداوند.^۲

بینش:

- ۱- آگاهی و اعتقاد راسخ به مبانی معاد و لقاء الله.
- ۲- مطالعه آیات قرآن و روایت اهل بیت : در مورد مجاهدان و اجر عظیم آنان.
- ۳- آشنایی با فرجام شهدای راه حق در آیات و روایات.
- ۴- آشنایی با فرجام مذموم دنیا طلبی و دنیا خواهی که باعث زمین گیری و فرار از معرکه های جهاد و شهادت می شود.^۳

۱. حکمت نامه پیامبر اعظم ۶- محمدی ری شهری - ج ۱۱ - ص ۵۲۵

۲. «والذین امنوا اشد حبا لله» (سوره بقره آیه ۱۶۵)

۳. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْفَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود: «در راه خدا بسیج شوید» کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست (سوره توبه- آیه ۳۸).

۵- آگاهی از تفاوت‌های شهادت‌طلبی واقعی از سر تکلیف‌گرایی با مرگ‌طلبی از سر فرار از مسئولیت‌های دنیایی و حب نفس و میل به جاودانگی.

گرایش:

- ۱- آرزو و تلاش برای شهادت در رکاب امام زمان (ارواحنا فداه) یا در مقابل دیدگان ایشان.^۱
- ۲- آشنایی و معرفت عمیق که منجر به محبت شدید به دین الهی و اولیا و آرمان‌های الهی در حد جان نثاری خواهد شد.
- ۳- آشنایی با عرصه‌های گوناگونی که در آن‌ها امکان مجاهدت و شهادت فی سبیل الله مقدور می‌باشد مانند: جهاد علمی، جهاد فرهنگی و ...
- ۴- مطالعه و آشنایی با سرگذشت و سرنوشت مجاهدان و شهدای راه حق در طول تاریخ.
- ۵- تکرار مطالعه کتب مربوط به حماسه کربلا و اصحاب عاشورایی امام عشق ۷.
- ۶- مطالعه آثار ارزشمند پیرامون شهدای دفاع مقدس و ادبیات مقاومت و پایداری.
- ۷- مطالعه وصیت نامه، زندگی‌نامه و خاطرات شهدا.

منش:

- ۱- تلاش برای درک حضور معاشرت و مصاحبت دائم با شهدا.^۲
- ۲- شرکت در جلسات اصیل سوگواری حضرت امام حسین ۷، چرا که اشک بر شهید، شوق بر شهادت می‌آورد.

۱. (والمستشهدین بین یدیه) (فرازی از دعای عهد)

۲. اگر به مصداق آیه شریفه، شهدا زنده‌اند پس می‌شود با آن‌ها رفاقت و معاشرت کرد؛ عهد و پیمان گذاشت و درخواست حاجت کرد.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران - آیه ۱۶۹)
(هیچ کس نباید شهید را مرده بپندارد چرا که شهدا زنده‌اند و روزی خوار پروردگار)

- ۳- مشارکت در زنده نگه داشتن یاد شهدا در برپایی یادواره‌ها، مراسم و
- ۴- تقویت روحیات صبر، استقامت، رشادت و غیرت برای تحمل مشقات راه شهادت.
- ۵- مداومت بر زیارت مزار شهدا

انجام مستحبات

تأکید:

خداوند می‌فرماید:

«مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لِيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ»^۱

بنده به من نزدیک نمی‌شود، مگر با انجام محبوب‌ترین کارها نزد من که همان واجبات است و البته او با انجام مستحبات و نوافل به من بسیار نزدیک‌تر می‌شود.

تعریف:

اهل و علاقه‌مند به انجام مستحبات و نوافل.

بینش:

- ۱- آشنایی با مفهوم واژه «استحباب» (طلب حب کردن) و اینکه عمل به واجبات صرفاً انجام حداقل‌های وظایف دینداری است و برای درک لذت و زیبایی‌های دینداری عمل به مستحبات لازم است.

- ۲- در انجام اعمال مستحبی مراعات اقبال و اِدبارهای دل را نمودن.^۱
 ۳- مراقبت بر رعایت حدّ انجام مستحبات^۲ و رعایت حال متریبیان (آمادگی برای پذیرش سطحی بالاتر از دینداری).

گرایش:

النظام و استمرار بر نوافل و مستحبات اثراتی مهم دارد که توجه به آنها موجب گرایش قلبی به سوی انجام مستحبات می‌گردد:

- ۱- انجام مستحبات، گناهان انسان را محو می‌سازد.^۳
 ۲- نواقص و کمبودهایی را که بر اثر غفلت یا قصور در فرایض و واجبات رخ داده، بواسطه انجام نوافل و مستحبات جبران می‌شود.^۴
 ۳- انجام نوافل و مستحبات موجب تقرب به خداوند سبحان می‌شود.^۵
 ۴- ثوابی که نوافل در پی دارد، بسیار عظیم است به نحوی که درک آنها با ذهن دنیایی بشر ممکن نیست.

منش:

- ۱- درک لذت انجام مستحبات و اهدای ثواب آن به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام.

۱. «إِنَّ لِقُلُوبِ إِقْبَالًا وَ إِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ، وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ» - (دل‌ها گاهی نشاط دارند و گاهی ملالت. اگر نشاط داشت آن را به مستحبات وا دارید، و اگر ملالت دست داد به واجبات بسنده کنید). (نهج البلاغه - حکمت ۳۱۲)
۲. «إِذَا أَصْرَبَ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْتَفُضُوهَا» هرگاه مستحبات به واجبات آسیب رساند مستحبات را کنار بگذارید. (نهج البلاغه - حکمت ۲۷۹)
۳. «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ رُفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» - هود ۱۱۴
۴. «إِمَّا جُعِلَتِ النَّافِلَةُ لِتَكْمُلَ بِهَا الْفَرِيضَةُ» نافله برای آن قرار داده شده است که فساد و نقص فرایض را جبران کند. جامع احادیث الشیعه، ج ۷ / ص. ۱۱۶، ۱۱۸.
۵. «صَلُوهُ النَّوَافِلِ قُرْبَانٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ...» - جامع احادیث الشیعه، ج ۷ صفحه ۱۰۰

- ۲- تقدم و تقيد شخصی رابط و مربی در انجام مستحبات و نوافل و تاکید و تمرین گروهی اعضاء بر مستحبات مؤکدی نظیر: دائم الوضو بودن، نماز شب، نوافل، ادعیه، انفاق و... علی الخصوص در اردوها و سفرهای زیارتی.
- ۳- تلاش برای درک لذت فراتر رفتن از عبادات واجب و جلب محبت خدا در عمل به مستحبات.

سحرخیزی

تأکید:

«شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ»^۱ (پیامبر ۶)

شرافت مومن به شب زنده‌داری اوست.

تعریف:

قبل از اذان صبح بپاخاستن و اقامه نماز شب.

بینش:

مطالعه روایات و تأکیدات وارده در آثار دنیوی و اخروی نافله شب و سحرخیزی^۲

گرایش:

- ۱- عنایت به این نکته الهام بخش که بهتر است شیعه منتظر، اوقات خواب و بیداریش مانند سایر رفتارها و گفتارش شبیه امام زمانش باشد.
- ۲- مراقبت بر رفتار و گفتار طول روز به نحوی که بواسطه آن توفیق سحرخیزی از انسان سلب نشود. چرا که امام صادق ۷ فرمودند: کسی

۱. اصول کافی - ج ۳ - ص ۲۱۸

۲. «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ» امام صادق ۷ - آثار کثیر اخروی و برکات دنیوی نظیر: برکت اوقات عمر، توسعه رزق، باز شدن فکر، سیمای نورانی، بوی خوش و ...

که مرتکب گناه شود از فیض نماز شب محروم خواهد شد زیرا نفوذ کار زشت در جان آدمی از نفوذ کار در گوشت بیشتر است.^۱

منش:

- ۱- تمرین درک لذت سبک زندگی متشرعانه نظیر: زود خوابیدن، کم شام خوردن، قبل از اذان صبح بیدار شدن، مختصر طعامی میل کردن و با خداوند مناجات کردن.
- ۲- در اوایل می‌توان با یک رکعت نماز وتر و یا سه رکعت نماز شفع و وتر، لذت اقامه نافله شب را چشید و یا حتی صرفاً قبل از اذان بیدار شدن و سر سجاده نشستن و منتظر اذان صبح بودن.
- ۳- مراقبت دائمی بر زود خوابیدن و مراقبت دائمی بر اعمال طول روز تا توفیق نماز شب حاصل شود و مغرور از عبادت نیمه شب نشدن تا توفیق حاصله سلب نشود.
- ۴- قرارهای گروهی یا چهل نفره برای بیدار کردن یکدیگر قبل از اذان صبح.
- ۵- ناشئه لیل برای کسانی که هر روز مشغول انجام رسالتی و زیر بار تعهد عمل به تکلیفی هستند - علی‌الخصوص مسئولیت‌های تربیتی و فرهنگی - در حد یک ضرورت قطعی است.^۲

۱. اصول کافی - ج ۲ - ص ۲۹۰

۲. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ... إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (سوره مزمل آیات ۷و۸)

(قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر است... تو را در روز آمد و شدی دراز است)

احترام به والدین

تأکید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَنْتَلِغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»

«پروردگارت حکم قطعی کرده که غیر او را نپرستید و به والدین احسان کنید، و اگر یکی از آن دو در حیات تو به حد پیری رسید، و یا هر دوی آنان سالخورده گشتند کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و کمترین آزار به آنها مرسال و با ایشان در نهایت اکرام و احترام سخن بگو»^۱

تعریف:

احترام و نیکوکاری به والدین و فرمانبرداری محض از آنها به جز در مواردی که معصیت خداوند است.

بینش:

- ۱- خداوند در مورد تشکر کردن و اطاعت، پس از نام خود از والدین نام می‌برد؛ لذا نقش مهمی در تربیت و تقویت عبودیت در انسان دارد و تمرینی عملی است برای تبعیت و اطاعت پروردگار.
- ۲- مطالعه و آشنایی با سرنوشت شوم انسان‌هایی که دل شکستند از والدینشان و در نقطه مقابل سرنوشت روشن انسان‌هایی که حق پدر و مادر را به‌جا آوردند.

۱. سوره اسرا - آیه ۲۳

۳- توجه به اینکه حتی در مواردی که والدین انسان را امر به معصیت می-کنند، حق نداریم با رفتار نامناسب آن‌ها را دل‌زده کنیم و باید با نیکویی و با ظرافت از انجام گناه طفره رویم.

گرایش:

- ۱- توجه به اینکه پدر و مادر، ربّ جسمانی فرزندان یعنی وسیله‌ای از طرف خداوند برای پرورش انسان هستند. «قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمْ اَكْمَا رَبِّيَانِي صَغِيرًا»^۱
- ۲- درک ارتباط عمیق میان رضایت حضرت زهرا 3 با رضایت خداوند (انّ الله تبارک و تعالی یغضب یغضب فاطمه و یرضی لرضاهها) و ارتباط رضایت والدین با رضایت حضرت زهرا 3 به عنوان مادر واقعی شیعیان.
- ۳- پی بردن به اینکه بعد از این همه زحمتی که والدین (به خصوص مادر) برای ما متحمل شده‌اند، مستوجب سپاسگذاری زبانی و عملی هستند که باید از جانب فرزندان صورت بگیرد، حتی اگر رفتار و گفتار آن‌ها نیکو و دلنشین نباشد.

منش:

- ۱- تامین نیازهای والدین با پیش‌بینی خواسته‌هایشان قبل از آنکه حتی به زبان بیاورند و ابراز کنند. (کمال اطاعت از پدر و مادر در آن است که پیش از آنکه خواسته‌ای مطرح کنند، نیازشان اجابت شود.^۲ امام صادق 7)
- ۲- رعایت ادب و احترام آنها در هنگام پیری به نیت امتثال امر الهی و خشنودی اهل بیت 3 و عدم بی‌احترامی حتی به اندازه بسیار کم.
- ۳- علاوه بر اطاعت، محبت و احترام؛ دعا، صدقه و کار خیر برای پدر و مادر در حیات و مماتشان.
- ۴- احترام و خدمت والدین را فرصت بی‌مانند رشد معنوی دانستن و بهره‌جویی از آن.

۱. سوره اسرا - آیه ۲۴

۲. کنز العمال - مؤسسه الرساله بیروت - ج ۱۲ - ص ۱۱۱

۳. بحار الانوار - ج ۷۴ - ص ۷۹

حسن خلق

تأکید:

پیامبر اکرم 6

« خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ »^۱

بهترین شما خوش اخلاق‌ترین شماست که با مردم انس و الفت دارد.

تعریف:

گفتار ملائم، رفتار دل‌نشین، و ملاقات انسان‌ها توأم با گشاده‌رویی.

بینش:

- ۱- باور این نکته مهم که حسن خلق جزء مهمی از دین‌داری است.^۲
- ۲- حسن خلق علی‌الخصوص توسط متدینین بهترین تبلیغ دینی است.^۳
- ۳- بد اخلاقی متدینین باعث ناراحتی و سوءتبلّغ برای أهل بیت می‌شود.^۴

۱. تحف العقول-صفحه ۴۵

۲. «سُئِلَ النَّبِيُّ ص أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ إِيمَانًا؟ فَقَالَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» از پیامبر سوال شد کدام یک از مومنین در مرتبه ایمان بالاتر است؟ فرمودند خوش خلق‌ترین آن‌ها (جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۰۸)

۳. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ زَبَانَتَانِ بِه حَقِّ دَعْوَتِ كُنَيْدٍ» (وسائل الشیعه - ج ۱ - ص ۷۶)

۴. «كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا، فُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» ای گروه شیعه! برای ما زینت باشید نه ننگ و عار، بامردم خوش گفتار بوده و از سخنان بی‌هوده و زشت برحذر باشید. (سفینه البحار - ج ۱ - ص ۷۳۰)

۴- البته مجرمان و منحرفان شایسته چنین موهبتی نیستند و نباید لبخند انسان مؤمن تأیید اعمال ناشایست آنان تلقی شود.^۱

۵- توجه به اینکه مهمترین عرصه اخلاق خوش، رفتار با اهل خانه است و اگر بیرون از خانه خوش اخلاقیم و در خانه بد اخلاق، این از نشانه‌های نفاق است.

۶- خوش رویی و چهره باز موجب کسب محبت و نزدیکی به خداست.^۲

گرایش:

۱- اقتضای اقتدا به سیره پیامبر رحمت و امامان بزرگوار صلوات الله علیهم اجمعین، حسن خلق است.

۲- بهترین راه تبلیغ و ترویج دین خدا و گسترش تربیت دینی، حسن خلق است.

۳- حسن خلق، پیوندهای دوستی را محکم، طول عمر و روزی را زیاد و حساب را آسان می‌کند.

۴- حسن خلق را با تملق و چاپلوسی صاحبان زر و زور اشتباه نگرفتن!^۳

منش:

۱- با تلقین و تمرین و مراقبت، این صفت عالی اخلاقی را در وجود ملکه نمودن.

۲- با عمل زشت مسلمانان مجرم برخورد کردن نه با شخصیت آن‌ها.^۴

۱. امیرمومنان 7: «امرنا رسول الله أمرنا رسول الله ص أن تلقى أهل المعاصي بوجوه مكفهرة» رسول الله ﷺ به ما دستور

داده بود که با اهل معصیت با چهره های درهم کشیده و ترش رو روبرو شویم. (کافی - ج ۵ - ص ۵۸)

۲. «اليسر الحسن و طلاقة الوجه مكسبه للمحبة - و قرينة من الله عز و جل» چهره باز و اخلاق خوب محبت‌ها را زیاد

می‌کند و آدمی را به خداوند نزدیک می‌سازد. امام باقر 7 (مشکات الانوار - ص ۱۷۹)

۳. پیامبر اکرم ﷺ: «إذا مدح الفاجر اهتز العرش و غضب الرب»

(هرگاه شخص فاجری ستایش شود، عرش الهی می‌لرزد و خداوند خشمگین می‌شود.) (تحف العقول -

صفحه ۴۶)

۴. در عین عکس العمل در قبال منکر، با محبت قلبی و استدلال و ادب شخص خاطی را موعظه کردن

- ۳- با انسان‌های صاحب حسن خلق، زیاد معاشرت کردن.
- ۴- رعایت ادب و احترام دیگران آدابی دارد که شناخت آن مقدم بر عمل به آن است.^۱
- ۵- تلاش برای ایجاد اخلاق خوش در خود و بروز آن، خصوصاً در منزل و با اهل خانه.^۲

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل)

۱. آگاهی از آداب اجتماعی و عرفی هر منطقه و رعایت آن تا جایی که تعارض جدی با شرع نداشته باشد نظیر رعایت مواردی چون: ایستادن جلوی پای دیگران، پیش‌دستی کردن در سلام به بزرگتر، پش دست‌نکردن در دست دادن با بزرگتر و... و همچنین است آداب سخن گفتن که لازم است متدینین با اطلاع از این آداب، عملی انجام ندهند که ناخواسته بی‌احترامی و بی‌حرمتی به دیگران تلقی شود.

۲. «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلَطَّهُمْ بِأَهْلِيهِ وَ أَنَا أَلَطُّكُمْ بِأَهْلِي» پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بهترین مردم از نظر ایمان، خوش‌خلق‌ترین و مهربان‌ترین آنها نسبت به خانواده‌اش می‌باشد. و خود من از همه شما نسبت به خانواده خود مهربان‌ترم. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۵۲)

پرهیز از غیبت

تأکید:

«وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا»^۱

غیبت یکدیگر را نکنید!

تعریف:

پرهیز از هرگونه مطلبی در مورد افراد در غیاب آنها که اگر مطلع شوند مکدر خواهند شد.

بینش:

- ۱- آشنایی با نتیجه سوء دنیوی و اخروی غیبت
- ۲- تجسم کراهت خوردن گوشت تن جسد برادر^۲.

گرایش:

- ۱- غیبت کننده علاوه بر معصیت کبیره‌ی خداوند، شخصیت خود را هم تباه می‌کند؛ چرا که شنوندگان چنین قضاوت می‌کنند که او ممکن است در غیاب خودش هم غیبتشان را کند و خیلی زود از چشم مردم می‌افتد.

۱ و ۲. سوره حجرات - آیه ۱۲

- ۲- اقتضای مرام مؤمنانه این است که نه تنها انسان در غیاب برادر مسلمانش غیبت نکند، بلکه در صورت شنیدن غیبت او به دفاع و توجیه عمل وی برخیزد.
- ۳- مطالعه سیره‌ی اهل بیت 3 و بزرگان دینی و حساسیت فوق‌العاده آنها نسبت به حضور در جلسه‌ای که حتی بوی غیبت از آن استشمام شود.
- ۴- غیبت علاوه بر این که اعمال را می‌سوزاند و تباه می‌کند، مانع جدی رشد و تعالی انسان است.
- ۵- توجه به قباحات این معصیت که در منظر حضرات معصومین 7 حتی از عمل شنیعی زنا هم بدتر است^۱.

منش:

- ۱- پرهیز کامل و همیشگی از غیبت کردن و ورود به زمینه‌ی غیبت؛ با تأمل قبل از سخن گفتن.
- ۲- عادت کردن به سکوت و بی‌مورد سخن نگفتن
- ۳- مداومت بر ذکر لسانی به جای سخن لغو و بیهوده که مقدمه غیبت است.
- ۴- حتی الامکان ترک فوری جلسات غیبت، و در صورت عدم امکان ترک جلسه، تغییر بحث و یا دفاع جانانه از برادر مومن، به نیت خشنودی الهی و رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام.
- ۵- تقید به نهی از غیبت در جمع‌ها و گروه‌های دوستانه و قرار جریمه برای غیبت کننده

۱. «الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا» - غیبت از زنا بدتر است. الخصال، ج ۱، ص: ۶۳

چشم پاکی

تأکید:

«زَنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ»^۱

(زنای چشمان، نگاه نارواست.)

«نگاه حرام تیری است از تیرهای زهرآلود شیطان؛ و چه بسا نگاهی حسرتی طولانی بر

جای گذارد.»^۲ (امام صادق ۷)

تعریف:

پرهیز جدی از نگاه به نامحرم به قصد گناه یا غیر آن و پرهیز از نگاه گناه آلود حتی به محارم.

بینش:

- ۱- تحقیق و مطالعه راجع به اثرات نگاه حرام، بر افعال و حالات انسان و دیگر اعضاء و جوارح
- ۲- فهم این نکته که نگاه حرام، آرام آرام انسان را در مقابل وسوسه از پای می‌اندازد، ابتدا فکر و خیال و چه بسا پس از آن اعضا و جوارح را به ورطه‌ای خطرناک بکشاند.
- ۳- هیچ عضوی در بدن از چشم ناسپاس‌تر نیست، پس خواسته‌اش را برآورده نکنید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.^۱ (حضرت علی ۷)

۱. نهج الفصاحه - حدیث ۱۲۲۸

۲. بحار - ج ۱۰۱ - ص ۴۰

۴- آگاه بودن از طرز برخورد حداقلی و محترمانه با نامحرمان در زمان اضطرار و پرهیز حداکثری از هرگونه ملاقات و مرادده غیر ضروری با نامحرم

گرایش:

- ۱- پی بردن به بی‌فایده‌گی نگاه‌های هرزه و درک عواقب بلندمدت لذات آنی و موقتی آن.
- ۲- شوق دیدار چهره مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام و غیر قابل جمع بودن این آرزو با نگاه حرام.
- ۳- یاد مرگ و نزدیک دانستن وقت وقوع آن.^۲
- ۴- خداوند و اولیای او همواره شاهد بر مشاهدات ما هستند.^۳
- ۵- تجربه‌ی عملی انجام چند مورد چشم‌پوشی از نگاه حرام، علی‌رغم فراهم بودن شرایط آن و درک لذت ایمانی که خداوند به ازای آن به بنده‌اش می‌چشاند.^۴
- ۶- توجه به ارزش حقیقت انسان و هدف‌های متعالی خلقت او و در تضاد بودن آن با مشغول شدن به جلوه‌های ظاهر.

۱. میزان الحکمه - ج ۱۰ - حدیث ۲۰۲۴۶

۲. «أَفْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» - (روز حساب مردم بسیار نزدیک شده و مردم سخت در غفلتشان مشغولند.) (سوره انبیا آیه ۱)

۳. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ» - (خداوند از خیانت چشم‌ها آگاه است.)

۳. «هر مسلمانی نگاهش به زنی بیفتد، اما چشم از او باز دارد، خدای تعالی به او ایمانی می‌دهد که لذت آن را در قلب خویش احساس کند» (نهج الفصاحه - حدیث ۱۲۱۶)

منش:

- ۱- مراقبه، مشارطه و محاسبه‌ی شدید نفس در این مورد و پرهیز جدی از حضور بی مورد در اماکن و تردد در مسیرهایی که امکان این معصیت بیشتر است.
- ۲- مشغول نمودن نفس با ورزش و کار و مطالعه و ... به نحوی که مجالی حتی برای چشم‌چرانی حتی به صورت مجازی (سایت و فیلم و عکس) هم فراهم نباشد.
- ۳- اجتناب از قراردادن تجهیزات بصری در محیط‌های شخصی و کم تردد.
- ۴- درک اهمیت و ارزش بی نظیر تقوا و مراقبه در خلوت (مطالعه‌ی اهمیت، آثار و احوال در این خصوص بسیار موثر است).
- ۵- پیشگیری و درمان چشم‌چرانی با دعا و توسل؛ به خصوص با حضور در جلسات ذکر مصیبت امام حسین ⁷ و اشک بر مصائب آن حضرت.

خوش قولی و وفای به عهد

تأکید:

« لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ »^۱

(کسی که پایبند به پیمان خود نباشد، دین ندارد)

تعریف:

عمل به عهد و پیمانی که با خدا و نیز اولیای الهی و وعده‌هایی که با دیگران کرده‌ایم.

بینش:

- ۱- آشنایی با روایات و احادیث این باب و آیات قرآن و نیز نتیجه سنگین بدعهدی^۲
- ۲- عنایت به عهد ازلی که با خداوند داریم^۳ و بیعتی که با ولی عصر علیه السلام کرده‌ایم.

گرایش:

- ۱- توجه به اینکه همواره ائمه معصومین : از بدعهدی مدعیان شیعه رنج برده‌اند.

۱. بحار الانوار - ج ۷۲ - ص ۹۶

۲. «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (بسی نزد خدا خشم‌آور است که بگویید، و عمل نکنید) (سوره صف، آیه ۳)

۳ « أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ... » (پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری...) (سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۷۲)

۲- بیمناک بودن از اینکه در زمان ظهور، نتوانیم به عهدهایمان با امام زمان علیه السلام وفادار باشیم، اگر در غیبت ایشان به عقود و وعده‌هایمان با مردم و عهدهایمان با ایشان وفادار نباشیم.

منش:

- ۱- سعی در انجام فریضه نماز اول وقت (که موعد قرار با خداوند و هنگام اقامه‌ی نماز توسط حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد).
- ۲- سر وقت حاضر شدن در وعده‌ها.
- ۳- ملزم دانستن خویش به انجام عهده‌های اخلاقی و عملی که با خداوند و حضرت ولی عصر علیه السلام می‌بندیم؛
- ۴- انجام مراقبه، محاسبه، مشارطه؛ مخصوصاً مشارطه برای این موضوع.
- ۵- تجدید پیمان با خدا و امام زمان علیه السلام به صورت روزانه با خواندن ادعیه شریفه، نظیر دعای عهد.
- ۶- تعیین جریمه‌های عملی (خواندن نماز قضا برای مومنین مرحوم، گرفتن روزه مستحبی، تعهد فرستادن هزار صلوات و ...) برای خلف وعده‌ها.

ایثار و فداکاری

تأکید:

«و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۱
دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هر چند خود نیازمند باشند.

تعریف:

از وابستگی‌ها و دارایی‌های خود با وجود نیازمندی برای دیگران، در راه خدا گذشتن.

بینش:

- ۱- متذکر بودن به اینکه چیزی که در راه خدا داده شود، گم نمی‌شود؛ کم هم نمی‌شود و علاوه بر اینکه ذخیره قیامت می‌شود، در همین دنیا هم مشمول برکت می‌شود.^۲
- ۲- به طمع توجه و تشکر و یا پاداش‌های دیگران صورت نگیرد بلکه «عَلَىٰ حُبِّهِ» و «لِوَجْهِ اللَّهِ» باشد.^۳

۱ سوره حشر آیه ۹

۲. «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۲ - (آنچه نزد خداست هم بهتر و هم ماندگارتر است).

۳. «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنْهَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»^۳ - (و بر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند و (گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم)

- ۳- هنگامی که انسان از دارایی و حق خود برای دیگران بگذرد درحالیکه خود به آن نیازمند است این بالاترین درجه سخاوت است.^۱
- ۴- شناخت میزان اعتدال در انفاق^۲

گرایش :

- ۱- شوق به دادن تمام هستی خود در راه رضایت محبوب و معشوق.^۳
- ۲- وقتی انسان چیزی را که علاقه دارد در راه خدا یا ولی خدا می‌بخشد، چون به آن چیز دل بسته بوده است، دل را نیز همراه آن به نزد خدا و ولی خدا می‌فرستد.
- ۳- سعی شود بخشش صرفاً به نیت رضای خدا و ولی خدا و انجام وظیفه باشد و نه حتی تجارت بهشت و ...
- ۴- بدانیم که اگر در موارد جزئی گذشت نداشته باشیم، در مواقع لازم نمی‌توانیم از چیزهای بزرگ (مثل جان و مال و ...) بگذریم.

منش :

- ۱- بدون ترس از پشیمانی و گوش دادن به زمزمه‌های لوآمانه شیطان و اطرافیان، سعی کنیم گشاده دستی و از خود گذشتگی شیوه همیشگی-مان شود.^۱

۱. «وَ الَّذِينَ تَبَوَّؤا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بَيْنَهُمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - (...از آنچه مهاجران را داده می‌شود در دل احساس حسد نمی‌کنند، و دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هر چند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند رستگارند).

۲. «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» - (نه دست خویش از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حال ملامت‌زده و حسرت‌خورده بنشیند) - سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۲۹

۳. «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» - (و بعضی دیگرند که جان خود را در برابر خوشنودی‌های خدا می‌فروشند) (سوره بقره - آیه ۲۰۷)

- ۲- بدانیم شرایط ایثار همیشه مهیا نیست؛ پس مراقب باشیم فرصت‌ها را از دست ندهیم.
- ۳- در شرایط ویژه مانند اردوها، سفرها، فعالیت‌های جمعی، شرایط سخت و... موعده مناسبی برای مشق از خودگذشتگی‌ها و ایثارگری‌ها و شناخت میزان خودخواهی‌ها، ممکن و پیگیری درمان آنها آسان می‌باشد.
- ۴- تمرین گذشت را از موارد کوچک و جزئی شروع کنیم تا آماده‌ی از خودگذشتگی‌های بزرگ شویم.
- ۵- گذشتن از همه حقوقی که از ما بر گردن دیگران است و همه کسانی که بر ما جفا کرده‌اند و حتی برایشان استغفار و دعا نمودن، شرح صدر و ظرفیت گذشت و ایثار انسان را بیشتر می‌نماید.

۱. «الْمُيْتَانُ يَعْذِبُكُمُ الْفَقْرُ...» - (این شیوه شیطان است که شما را فریب می‌دهد و از فقر می‌ترساند...) (سوره بقره - آیه ۲۶۸)

انس با احادیث و مجالس اهل بیت : و ارتباط با روحانیت راستین

تأکید:

« تَذَاكُرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ »

با یکدیگر گفتگوی علمی کنید و ملاقات کنید و حدیث بگویید، زیرا حدیث، دلها را صیقل می‌دهد.

« لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ »^۱

(برای هر چیزی اساسی است و اساس اسلام حب ما اهل بیت است)

«خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده، پایدار و محبوب ساخته‌است.»^۲

تعریف:

شرکت در جلسات اصیل اهل بیت : و آشنایی و حفظ روایات ایشان و همچنین ایجاد ارتباط با روحانیت راستین^۱ و علمای مکتبی و انقلابی به منظور بهره‌برداری علمی و معرفتی و معنوی از آنان.

۱. بحار الانوار - ج ۷۸ - ص ۲۷۹

۲. منشور روحانیت: پیام تاریخی امام خمینی علیه السلام، خطاب به مراجع و روحانیون - ۱۳۶۷/۱۲/۳

بینش:

- ۱- توجه به اینکه برترین حکمت‌ها و معارف عالم نزد اهل بیت : است و ایشان کریمانه در قالب احادیث آن را در اختیار ما گذاشته‌اند.
- ۲- خداوند ما را برای تکامل خلق کرده و آیات قرآن و احادیث ائمه :، راهنمای هدایت و کمال بشریتند.
- ۳- ضرورت رجوع جاهل به عالم در کلیه شئون زندگی و توجه به ارزش و اهمیت مراد به با علمای متعهد دینی.^۲
- ۴- با توجه به اینکه بصورت خودآگاه و ناخودآگاه^۳، اثراتی از همنشین به ضمیر انسان منتقل می‌شود، لذا چه بهتر که این اثرات، اولاً از جنس نور باشد و ثانیاً در مجالس اهل بیت : و از طرف علما و روحانیون متعهد به انسان برسد.

گرایش:

- ۱- احیای قلب خود از زنگارهای چهل و غفلت با مرور کلمات نورانی اهل بیت :.
- ۲- تلاش برای فهم عمیق احادیث بیش از دغدغه نشر و گسترش آن.^۴
- ۳- تامل و درک معانی عمیق روایات و تلاش برای یافتن کاربردهای آن در زندگی فردی و اجتماعی.
- ۴- عنایت به آثار سوء ترک همنشینی با علمای الهی.^۱

۱. مطالعه‌ی توصیف "روحانیت راستین و متعهد" در مقابل "آخوندهای وابسته" و "تجگرگرایان و مقدس نمایان احمق" در منشور روحانیت حضرت امام علیه السلام توصیه می‌شود.

۲. «النُّظْرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۲) نگاه کردن به روی دانشمند عبادت و بندگی است.

۳. حضرت علی علیه السلام ۷: «لَا تَصْحَبُ الشَّرِيفَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَشْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»^۳ - (با شرور هم‌نشینی نکن؛ زیرا طبع تو شر را از طبع او می‌دزدد بدون آنکه تو متوجه شوی)

۴. «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ» - امام صاق ۷ : یک حدیث که آن را عمیقاً درک کنی برای تو بهتر است از هزار حدیث که نفهمیده نقل کنی. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳

- ۵- با توجه به شرایط آخرالزمان و همچنین غفلت فراگیری که حاصل می‌شود، ارتباط دائمی با علمای دینی و جلسات اهل بیت : به خصوص مجالس روضه و اشک بر مصائب آنان، موجب روشنی اندیشه، جلای دل و صفای روح می‌شود.
- ۶- حتی اگر با حضور در این جلسات اشکی و صفایی حاصل نشد، نشانه‌ی خوبی است که ممکن است موانعی در وجود انسان وجود دارد که باید با استغفار و مجاهدت برطرف گردد؛ پس به برکت این حضور انسان این بیماری‌ها و مشکلات درونی‌اش را خواهد شناخت.

منش:

- ۱- تلاش برای مطالعه و حفظ روزانه‌ی چند حدیث از منابع روایی معتبر (اصول کافی، عیون اخبار الرضا (7)، کتب شیخ صدوق، الحیاه و ...)
- ۲- تلاش برای نشر معارف بلند حدیثی در جامعه.^۲
- ۳- تامل و درک معانی عمیق روایات و تلاش برای یافتن کاربردی آن در زندگی فردی و اجتماعی.
- ۴- در اوایل کار براساس تاکید حتی لازم است، انسان مومن علی‌رغم میل باطنی مصاحبت با علمای روحانی را به نفس خود تحمیل نماید (صبر بر مصاحبت).^۳
- ۵- اهتمام به شرکت در نماز جماعت مساجد.
- ۶- تقیّد به شرکت در مجالس اهل بیت : به خصوص مجالس اصیل سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (7).

۱. «وَلَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدَّثْتَنِي»- (شاید و چون مرا در مجالس علما نیافتی، و مرا به حال خود رها کرده و خوار ساخته‌ای) (فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی)

۲. «رَأَوْنَهُ لِحَدِيثِنَا يَبْتُ فِي النَّاسِ وَ يُشَدُّ فِي قُلُوبِ شَيْعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ». کسی که حدیث ما را روایت کند و بدان وسیله دل‌های شیعیان را قوی و استوار کند از هزار عابد برتر است. امام صادق (7) . بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۵

۳. «وَ اضِرُّ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعَيْثِي ...» در مصاحبت و همراهی با انسان‌هایی که دائما به یاد خداوند هستند صبور باش) (سوره کهف- آیه ۲۸)

- ۷- شرکت در مراسم سخنرانی و درس و بحث روحانیت راستین و ملاقات با علما در اعیاد و مناسبت‌ها.
- ۸- سعی در زنده نگاه داشتن امر اهل بیت : با برپایی جلسات مکتبی.
- ۹- طلب توفیق از خداوند برای همنشینی با روحانیت راستین و اولیای دین.

رساله‌ای بودن

تأکید:

قال مولانا الامام المهدي عليه السلام:

«أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورَةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱

تعریف:

انتخاب مرجع تقلید اعلم، شجاع، مدیر^۲، آگاه به زمانه و ... و اهل مراجعه مستمر به رساله‌ی مرجع تقلید بودن و تبعیت از آن. معمولاً عدم وجود چنین روحیه‌ی تبعیدی در احکام و فروع دین زمینه‌ای برای تزلزل فرد در اعتقاد به اصول دین می‌باشد.

بینش:

۱. مطالعه و آشنایی با مبانی منطقی و شرعی تقلید در فروع دین (اصل ضرورت مراجعه جاهل به عالم) و اینکه لازمه پذیرش تقلیدی بودن فروع دین تقلیدی نبودن اصول دین است؛ یعنی کسانی که اصول دینشان را تقلیدی پذیرفته‌اند، معمولاً در مساله تقلید در احکام، اهل شک و تحقیق می‌شوند.

۱. کمال الدین - ج ۲ - ص ۴۸۴

۲. «یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد» صحیفه امام - ج ۲۱ ص ۲۸۹

۲. توجه به اینکه کلید عبادت صحیح، آگاهی از احکام است.^۱

گرایش:

- ۱- تبعیت از امام جامع شرایط (فقاہت و عدالت) در زمان غیبت به نیابت از امام زمان علیه السلام.
- ۲- احترام به مراجع تقلید و ترویج مرجعیت ولی فقیه جامع شرایط به نیت وحدت و انسجام و تمرکز قدرت بیشتر شیعه در عصر غیبت و زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت.
- ۳- معرفی کتاب «أجوبه الاستفتاءات» رهبر معظم انقلاب مدظله العالی به عنوان یک رساله عملیه کاربردی و به روز، روان و فارغ از کلمات و اصطلاحات ثقیل به متریبان.
- ۴- توجه مسائل کاربردی روز و تفاوت‌های فتاوی فقهی آیت الله العظمی خامنه‌ای با سایر مراجع بر مبنای مقتضیات زمان.

منش:

- ۱- در جمع قرار گذاشته شود مربی قبل از مراجعه به رساله‌ی عملیه یا استفتائات به سوالات احکام پاسخ داده نشود؛ حتی اگر نسبت به موضوع اشراف وجود دارد.
- ۲- مراجعه کردن به روحانی متعهد و عالم در مسائل احکام به عنوان یک هدف تربیتی، آموزشی و تمرین.
- ۳- تقیید عملی به رساله و رجوع به فتاوی مرجع، قبل از هرگونه اظهار نظر یا انجام اعمالی در موضوع احکام.
- ۴- عادت به استفتاء از مرجع تقلید در سؤالات جدید و به‌روز
- ۵- متریبان در مسائل و موضوعات مورد علاقه‌شان تشویق به استفتاء کردن مکتوب از مرجع تقلیدشان شوند.

^۱ «قلیل الفقه خیر من کثیر العباده» پیامبر اکرم ﷺ: شخصی که اندکی فقه بداند و به روشن بینی در دین دست یافته باشد از کسی که بسیار عبادت می‌کند برتر است. (کنز العمال، حدیث ۲۸۷۹۴)

روحیه‌ی جهادی

تأکید:

«جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱
(آن گونه که شایسته است در راه خدا جهاد کنید)

تعریف:

روحیه خستگی ناپذیری و جدیت در کار برای خدا و در مقابله با دشمنان خدا

ببینش:

- ۱- جهاد و روحیه‌ی جهادی معنای عامی دارد و فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست.^۲
- ۲- با مجاهدت می‌توان به ایمان صادقانه رسید.^۳
- ۳- حرکت اصیل به سمت قله‌های کمال، همواره با تلاش و سختی توأم است؛ ولی ختم به لقاءالله می‌شود.^۴

۱. سوره حج - آیه ۷۸

۲. «یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی "فرهنگ جهاد" است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست، هرگونه تلاش در مقابل دشمن می‌تواند جهاد تلقی شود. پس شرط اول جهاد این است که با تلاش و کوشش همراه باشد و شرط دومش اینکه در مقابل دشمن صورت گیرد» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۵/۳/۲۰)

۳. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و دیگر شک نکرده‌اند، و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده‌اند اینان راستگویانند) (سوره حجرات - آیه ۱۵).

۴. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَيَّ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (ای انسان حرکت تو به سوی ملاقات پروردگار با رنجی عظیم همراه است) (سوره انشقاق - آیه ۶).

- ۴- علاوه بر این که انسان باید در مقابل دشمن خارجی روحیه‌ی جهادی داشته باشد؛ در مقابل نفس خود^۱ و شیطان نیز باید این روحیه را داشته باشد.
- ۵- از ویژگی‌های بارز انجام کار با روحیه جهادی؛ اتقان عمل و سرعت و دقت در انجام کار به منظور ادای تکلیف است و در مقابل روحیه اهمال کاری و انجام کار به منظور تکلیف می‌باشد.
- ۶- این روحیه در خودسازی، کسب علم، کار، فعالیت فرهنگی، مبارزه سیاسی و هر عمل دیگری که قابلیت انجام با تلاش و در راه خدا را دارد قابل تعمیم است.

گرایش:

- ۱- خداوند باب جهاد را تنها بر اولیایش می‌گشاید.^۲
- ۲- بی‌بهرگی از این روحیه به علت برخورداری از نوعی نفاق است^۳
- ۳- کسی که جهادی کار می‌کند، نه ناامیدی دارد و نه شکست.^۴
- ۴- کسی که جهاد نمی‌کند، دچار روزمرگی‌های حقیر و ذلت‌های سخیف دنیا می‌شود.^۵
- ۵- جهاد یک روحیه‌ی مومنانه‌ی متعالی برخاسته از یقین است.^۶

۱. امام علی 7: «دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست»- (المحجه البیضا - ج ۵ - ص ۶)

۲. قال امیرالمومنین 7: «فَإِنَّ الْجِهَادَ تَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِعَصَاةِ أَوْلِيَائِهِ» (جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء خاص خود گشوده) (نهج البلاغه - خطبه ۲۷)

۳. رسول الله 9 فرمودند: «هرکس بمیرد در حالی که جهادی نکرده یا حتی در دلش آرزوی جهاد نداشته است به نوعی از نفاق مرده است» (صحیح مسلم - ج ۶ - ص ۴۹)

۴. «کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل‌الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۵. «فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تُوبًا أَلْذَلَّ وَ شَمِلَهُ أَلْبَاءُ» (هرکس جهاد را ترک کند خداوند او را دچار خواری درونی می‌کند.) (نهج البلاغه - خطبه ۲۷)

۶. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا...» (مؤمنانی که ایمان در حدّ یقین دارند، شک نمی‌کنند و در راه خدا جهاد می‌نمایند) (سوره حجرات - آیه ۱۵)

منش:

- ۱- کسی که عظمت و زیبایی‌های دین را درست بشناسد، برای تحقق اهدافش مجاهدت می‌کند.^۱
- ۲- مطالعه‌ی مستمر منابع اصیل دینی نظیر آیات جهادی قرآن، نهج البلاغه و سرگذشت مجاهدان و شهدا.
- ۳- زندگی و روحیه‌ی جهادی اقتضائاتی دارد؛ نظیر ساده‌زیستی و پرهیز از رفاه-طلبی^۲
- ۴- ترک دنیاپرستی و تعلقات دنیا نیز از اقتضائات زندگی جهادی است.^۳
- ۵- مشارکت فعال در برگزاری اردوها و برنامه‌های جهادی، نظیر: جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، جهاد علمی، جهاد سازندگی و...

۱. «اسلام را که مکتب جهاد و دین و مبارزه است در اختیارمردم قرار دهید تا عقاید و اخلاق خودشان را از روی آن تصحیح کنند و به صورت یک نیروی مجاهد دستگاه سیاسی جابر و استعماری را سرنگون کرده حکومت اسلام را برقرار سازند.» (امام خمینی - ولایت فقیه - صفحه ۱۵۵)

۲. «مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست، و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفیای مبارزه بیگانه‌اند» (امام خمینی ۱۳۶۷/۰۴/۲۹)

۳. «مؤمن اگر وابستگی داشته‌باشد نمی‌تواند قیام کند و عصر ما عصر قیام است» (شهید سید مرتضی آوینی)

کاری بودن و مسئولیت‌پذیری

تأکید:

«رَحِمَ اللهُ امْرَأَةً عَمِلَتْ عَمَلًا فَأَتَقَنَتْهُ»^۱

(رحمت خدا بر آن انسانی که هرکاری می‌کند، متقن و محکم باشد) پیامبر اکرم 6

تعریف:

کارها و مسئولیت‌های به عهده گرفته شده را با دقت، درایت، نظم و جدیت تا حصول نتیجه پیگیری کردن.

بینش:

- ۱- مسئول به معنای کسی است که مورد سوال قرار می‌گیرد؛ است لذا باید در هر مسئولیت طوری عمل کرد که در مقابل سوال خالق و خلق هم در دنیا و هم در آخرت، سربلند بود.
- ۲- «کسی که مشغول کاری است، خود را در قبال آن مسئول بداند که کار را درست، کامل، محکم، قوی و ابتکاری انجام دهد، چه بالای سر او کسی باشد یا نباشد...» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۸/۲/۱۵)
- ۳- توجه به اینکه، نسبت به دانسته‌های خویش مسئولیم و باید در خود آمادگی عمل و اقدام فراهم کنیم.^۲

۱. الأمثال النبویة - ج ۲ - ص ۱۰۳

۲. قال عیسی بن مریم (7): «أَشَقَى النَّاسِ مَنْ هُوَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ النَّاسِ يَعْلمُهُ - مَجْهُولٌ بِعَمَلِهِ» (مصباح الشریعه، ص ۳۶۸): بدبخت‌ترین مردم کسی است که مردم او را به دانایی بشناسند اما به عمل نشناسند.

گرایش :

- ۱- قبول و انجام احسن مسئولیت‌های سازنده، در زمان غیبت حضرت ولی عصر^{علیه السلام} از سه جنبه حائز اهمیت است:
 - حسن انجام مسئولیت می‌تواند منجر به کاهش مدت زمان غیبت باشد.
 - این مسئولیت‌ها به منزله تمرین و تربیت برای قبول مسئولیت‌های مهمتر و مشکلتر در زمان ظهور است.
 - حسن انجام امور و تلاش در این راستا موجب رضایت امام زمان^{علیه السلام} و خداوند متعال می‌شود.
- ۲- با سبقت جستن در انجام امور خیر، راه‌ها به طرف خداوند باز می‌شود.^۱
 - ۳- هر کاری نیاز به مداومت و پیگیری دارد و بدون این روحیه، ایمان ناقص است.^۲

منش :

- ۱- قبول و انجام مسئولیت‌های هرچند کوچک به نحو شایسته.
- ۲- ایفای نقش و مشارکت موثر در کارهای بزرگ.
- ۳- توجه به اینکه قبل از اقدام باید نسبت به آن آگاهی لازم را بیابد.^۱

^۱ «و لِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُؤَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ» (بقره-۱۴۸): هرکس راهی است به سوی حق که بدان راه یابد، پس سبقت گیرد به سوی خیرات.

۲. امام علی^{علیه السلام} ۷: «المداومة المداومة فإن الله لم يجعل ليعمل المؤمن غائبة إلا الموت»: مداومت! پیگیری! زیرا خداوند برای کار مومنان پایانی جز مرگشان قرار نداد (مومن تا زنده است، پیگیر و پر کار است) (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۲۰)

- ۴- سعی در اتمام مسئولیت به نحو احسن و اکمل و پرهیز جدی از نیمه کاره رها کردن کارهای به عهده گرفته شده (روحیه پیگیری تا حصول نتیجه).^۲
- ۵- پرهیز از مسئولیت گریزی و فرار از کار با بهانه‌سازی، تنبلی و اهمال‌کاری.^۳

۱. «مَنْ عَمَلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ» (رسول الله ﷺ)؛ محاسن، ص ۳۱۴. کسی که بدون شناخت عمل کند، خراب کردنش، بیشتر از درست کردن است.

۲. «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةَ النَّهَايَةَ...» شما را به کار و تلاش و اتمام رساندن کارها توصیه می‌کنم. نهج البلاغه (للصیحة صالح)، ص ۲۵۲

۳. «مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتِغَاءَ يَأْتِيهِمْ» (امام علی ۷): هر که در عمل کوتاهی کند، خداوند او را به غم و اندوه مبتلا سازد (غرر الحکم-۴۲۴).

تواضع

تأکید:

«فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمْ اللهُ»^۱

«تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد.»

تعریف:

تواضع عبارت است از حالتی که انسان خود را بالاتر از دیگران نبیند و رفتار و گفتارش همواره موجب بزرگداشت و تکریم خوبی‌های دیگران باشد.

بینش:

- ۱- درک قلبی این نکته که مالک واقعی هیچ چیز نیستیم.
- ۲- همه آنچه که ما از علم و مقام و مال و جمال و ... داریم علاوه بر اینکه با مرگ از میان می‌رود، در همین دنیا هم هر لحظه ممکن است از ما گرفته شود.
- ۳- توجه به این نکته که اگر علم، الهی باشد و کمال اگر رحمانی باشد، هیچ‌وقت موجب غرور و تکبر نمی‌شود. پس اگر به اتکای علوم یا مقامات احساس برتری می‌کنیم باید بدانیم که ممکن است این مقامات و علوم نفسانی و شیطانی باشد.
- ۴- باور به سنت الهی در عزت و ذلت دادن.^۲

۱. رسول اکرم ۶-کافی - ج ۱ - ص ۱۲۱ - باب التواضع
 ۲. «در آسمان دو فرشته بر بندگان گماشته شده‌اند پس هرکس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هرکس تکبر ورزد او را پست گردانند» - کافی - ج ۲ - ص ۱۲۲ - حدیث ۲ امام صادق ۷

۵- توجه به تواضع در عین حفظ کرامت نفس (مومن در عین تواضع، هیچ جوازی هم برای ذلت و خواری خود ندارد).

۶- بعضی تواضع‌ها الهی نیست، از سر ضعف و زبونی است.^۱

گرایش:

- ۱- توجه به زشتی و سنگینی رفتار انسان‌های متکبر و خودبرترین.
- ۲- معاشرت با انسان‌های وارسته و متواضع.
- ۳- مطالعه شرح حال اولیای الهی و بزرگان و دقت در افتادگی و خاکساری آنها.

منش:

- ۱- یقین به اینکه عزت و ذلت دست خداست و به هر که بخواهد می‌دهد.^۲
- ۲- متاثر نشدن از تمجید و تعریف دیگران.^۳
- ۳- اشتغال دائمی به عیوب و کاستی‌های فردی.
- ۴- عبودیت و سجده‌های طولانی و عبادت‌های متضرعانه شبانه.
- ۵- معاشرت با فقرا و توده‌های متوسط مردم.^۴
- ۶- پیشدستی در سلام کردن به بزرگتر و کوچکتر.
- ۷- جلوی پای دیگران ایستادن و ادای احترام کردن.

۱. «هرکس در مقابل ثروتمند به خاطر ثروتش تواضع کند، دو سوم دینش از بین برود.» (کافی - ج ۱ - ص ۱۲۱ -

باب التواضع)

۲. «تُوُقِي الْمُلْكُ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (سوره آل عمران - آیه ۲۶) - (به هر کس بخواهی ملک و سلطنت می‌دهی و از هر کس بخواهی می‌گیری و به هر کس بخواهی عزت و اقتدار می‌بخشی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی).

۳. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ نَفْسِي، وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ» (پروردگارا، از من به من آگاه تری، و من به خودم از آنها داناترم. خدایا، ما را بهتر از آنچه به ما گمان دارند، قرار ده.) حضرت

علی 7

۴. «الجلوس مع الفقرا من التواضع» نهج الفصاحه - ح ۱۰۵۱

۸- شرکت فعال و نیت‌دار در اردوهای جهادی و خدمت‌رسانی به مردم محروم و مستضعف.

۹- پایین مجالس نشستن صادقانه (البته نه از روی خودنمایی و ...)

۱۰- معرفت‌افزایی: هرچه درک و فهم بیشتر، تواضع بیشتر (درختِ پربارتر، افتاده‌تر).

۱۱- «با مردم آنچه‌ان برخورد کن که دوست داری با تو برخورد کنند» امام‌هادی ۷

آمادگی جسمی و نظامی

تأکید:

«و نُصِرْتِي مَعْدَةَ لَكُمْ»^۱

(یاری من برای شما مهیا و آماده است)

تعریف:

کسب آمادگی و ورزشیدگی جسم با انجام مستمر ورزش و کسب آموزش‌های لازم

بینش:

- ۱- آمادگی و سلامت جسم موجب سلامت و نشاط روحی و عقلی می‌شود و بالعکس، بیماری و سستی و ضعف جسم، روح را زمین‌گیر می‌کند.
- ۲- آمادگی جسمانی، اراده و اعتماد به نفس انسان را تقویت می‌کند.^۲
- ۳- در جهان بینی دینی، توانمندی جسمی، ابزار خدمت به خدا و دین اوست.^۳

گرایش:

۱. زیارت آل یس

۲. «الْقُدْرَةُ تُنْشِي الْخَفِيظَةَ» امام علی 7: قدرت، احتیاط و محافظه‌کاری را از بین می‌برد. غررالحکم، حدیث ۹۵۳

۳. «قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَاجِحِي» امام علی 7: خدایا اعضای بدنم را برای خدمت کردن به خودت تقویت فرما (فرازی از دعای کمیل)

- ۱- مؤمن باید همواره آماده قیام باشد^۱ و این آمادگی صرفاً روحی و اعتقادی نیست، جسم هم باید توان ایستادن و ایستادگی کردن را داشته باشد و این با ورزش و ورزشی امکان پذیر است.
- ۲- مؤمن مجاهدِ منتظرِ ظهور، نه تنها به لحاظ ایمانی بلکه به لحاظ جسمی و آمادگی‌های نظامی نیز می‌بایست مهیای تلاش‌ها و مجاهدت‌های دوران ظهور باشد.^۲
- ۳- گرایش به روحيات جوانمردی و پهلوانی و همّت به پرورش خود بدین صفات.

منش:

- ۱- انجام برنامه‌های ورزشی مختصر روزانه به صورت فردی یا گروهی^۳
- ۲- فراگیری و تمرین ورزش‌های مورد تأکید دین مبین از قبیل: تیراندازی، شنا، کوهنوردی، سوارکاری و...^۴
- ۳- شناسایی و یا تجهیز و راه‌اندازی ذکرخانه‌های سالم ورزش اصیل پهلوانی^۵ و تمرین گروهی

۱. قوام بالقسط بودن - سوره نساء - آیه ۱۳۵

۲. «منتظر واقعی امام زمان علیه السلام کسی است که اهل رزم، جنگ، مبارزه، نبرد و خلاصه مسلح و بسیجی باشد. کسی که کاری با جنگ و مبارزه با طاعنی ندارد، هرگز منتظر واقعی امام زمان علیه السلام نیست؛ چون آن حضرت با نبرد مسلحانه‌ی نفس گیر جهان را اصلاح می‌کند.» (آیت الله جوادی آملی - عصاره خلقت - صفحه ۶۲)

۳. «الهاو و العوا فإني أكره أن يرى في دينكم غلظة.» - تفریح کنید و بازی کنید زیرا من خوش ندارم که دین شما، سخت و خشن دیده شود.

۴. «عَلُّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» - (رسول الله صلى الله عليه وآله): به فرزندانان شما و تیر اندازی بیاموزید. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

۵. افتادگی، دستگیری، احترام به بزرگتر، مردانگی، عزّت و ... دستاوردهای قطعی ورزش پهلوانی ذکرخانه‌های سنتی و سالم است.

نظم و آراستگی

تأکید:

«أوصيكم بتقوي الله و نظم أمركم»

«من شما فرزندانم را به پیروی از دستورات خدا و نظم و انضباط در امورتان توصیه می‌کنم»^۱ حضرت علی ۷

رسول خدا ﷺ آراسته بودن را دوست می‌داشت و ژولیده بودن را نمی‌پسندید.^۲

تعریف:

مقیّد بودن به نظم در کلیه امور زندگی و رعایت همیشگی نظافت و آراستگی در عین سادگی و معطر بودن.

بینش:

- ۱- توجه به نظم و آراستگی نظام آفرینش و اینکه همه مخلوقات خدا منظم و خداوند زیبای مطلق است.
- ۲- میل به آراستگی و نظم به صورت فطری در وجود انسان قرار داده شده است و دستور دین است.^۳

۱. نهج البلاغه - نامه ۴۷

۲. مکارم الاخلاق - ص ۳۳

۳ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عْبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ» رسول خدا ﷺ: خداوند دوست دارد بنده‌اش هنگامی که نزد دوستانش می‌رود با آراستگی و زیبا رود.

- ۳- آراستگی باطن موجب آراستگی ظاهر است. (از کوزه همان برون تراود که در اوست)
- ۴- امام صادق 7 فرمود: دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۱

گرایش:

- ۱- نظم در امور و شئون زندگی همواره موجب آرامش خاطر و اطمینان قلبی انسان است.
- ۲- ائمه 7 ما انسان‌هایی وارسته، آراسته و منظم بوده‌اند.
- ۳- امام راحل (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) دارای برنامه‌ریزی و نظم روزانه و ظاهری همیشه آراسته‌اند.
- ۴- توجه به تفاوت‌های خودنمایی و تبرج با آراستگی.^۲

منش:

- ۱- آراستگی در کلیه امور زندگی نظیر پوشیدن لباس‌های تمیز و روشن تا نظم در برنامه‌ها و امور روزانه
- ۲- اجرای نظم در اتاق، محل کار و ...؛ نظیر چینش مناسب وسایل و مرتب بودن آنها.
- ۳- آراستگی و نظم در امور عبادی که موجب آراستگی باطن می‌شود.
- ۴- همنشینی با انسان‌های منظم و آراسته.
- ۵- داشتن نظم و برنامه در کلیه امور زندگی حتی امور معنوی.

۱. ثواب الاعمال - ص ۳۶۳

۲. حضرت علی 7: «بپرهیز از اینکه خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی» (بحار الانوار - ج ۷۱ - ص ۳۶۳)

- ۶- تأکید به مراحل سه‌گانه نظم در زندگی: ۱. نظم در عبادت ۲. نظم در خانواده ۳. نظم در اجتماع.
- ۷- رعایت آراستگی بدن با ورزش و تمرین^۱

بلند نظری و برنامه‌ریزی

تأکید:

« خَيْرُ الْهَمِّ أَعْلَاهَا »

امام علی ۷: بهترین همت‌ها، بلندترین آنهاست^۲

تعریف:

نگاه جهانی، جامع، دوراندیش و عاقبت‌اندیش داشتن در کلیه امور.

بینش:

آشنایی با مفاهیم چهارگانه زیر و ضرورت‌هایشان در برنامه‌ریزی:

- دور اندیشی: نگاه دراز مدت در تصمیم‌گیری داشتن
- عاقبت اندیشی: عواقب اخروی تصمیمات را در نظر گرفتن
- جامع بینی: جمع جهات را در تصمیم‌گیری لحاظ کردن و آثار تصمیم را به طور کامل سنجیدن

۱. آراستگی بدن به مواردی چون درست نشستن، درست راه رفتن، درست ایستادن و ... اطلاق می‌شود و در معرفی شخصیت انسان مؤثر است.

۲. غرالحکم حدیث ۴۹۷۷

- نگاه جهانی: نسبت تصمیم را با واقعیت‌ها و افق‌های جهانی سنجیدن

گرایش:

- ۱- تمرین بررسی و نقد تصمیمات و رخدادهای کلان جهانی، کشوری، استانی و منطقه‌ای با ۴ شاخص فوق
 - ۲- آشنایی و مطالعه و بررسی تصمیمات و نظرات افراد بلندنظر
 - ۳- محدود نشدن به نگاه‌های و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آنها
 - ۴- پرهیز از موانع دست‌یابی به اهداف بلند:
- ۱- کوتاه همتی ۲- چاره‌اندیشی ۳- ضعف‌اندیشه^۱

منش:

انجام مداوم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اقدام در امور مختلف حتی امور کوچک و فردی^۲ با طی مراحل چهارگانه بینش.

۱. «ثَلَاثٌ يَخْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعَالِي قَصْرُ الْهَمِّ وَ قِلَّةُ الْحِيلَةِ وَ ضَعْفُ الرَّأْيِ» - سه چیز است که انسان را از نرفتن در پی مقامات عالی و اهداف بلند باز می‌دارد: کوتاهی همت، اهل تدبیر نبودن، سستی اندیشه. (تحف العقول، ج ۳۱۸)

۲ «الْقَلِيلُ مَعَ التَّدْبِيرِ أَثَقَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّيْبِيرِ» - کار کمی با تدبیر و برنامه‌ریزی انجام شود بهتر است از کار بزرگ و پر حجمی که با زیاده‌روی همراه باشد. (غرر الحکم، حدیث ۸۸)

فراگیری و تلاش علمی

تأکید:

«أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُلُّهُ بِالصَّيْنِ»

در جستجوی علم باشید حتی اگر در کشور چین باشد.

تعریف:

«پیامبر نمی‌فرمایند بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را، فناوری و توانایی‌های فراوان سرپنجه بشری را یاد بگیرید، این‌ها چیزهای لازمی است» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۸۷/۶/۵)

بینش:

- ۱- القای هرگونه تعارض میان دین و علم، یک اندیشه انحرافی و بازدارنده است.^۱
- ۲- یگانگی علم دینی و غیر دینی در گذشته^۲
- ۳- خلط مبحث علوم و فناوری با مبحث "علم لا ینفع"^۱

۱. «بعضی به غلط خیال می‌کنند که "علم گرایی" با "دین گرایی" نمی‌سازد... علت اینکه مسلمانان توانستند برای مدت چند قرن مشعل علم را در دنیا به دست گیرند، همین توجه اسلام به علم و دانش بود. از فارابی تا خواجه نصیر حدود سه قرن این مشعل‌داری ادامه داشت؛ آن هم در سطح بالا...» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۷۰/۱۱/۱۵)

۲. «علم و دین چندین قرن با هم توأم بودند و علوم دینی و غیر دینی با هم مخلوط بود و دست یک دسته از افراد بود: محمد بن زکریای رازی، ابن سینا و دیگران؛ هم فقیه بودند و هم دانشمند بودند» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۶۹/۸/۱)

۴- اوج‌گیری معجزه‌آسای علمی مسلمین در صدر اسلام، حاصل اهمّیت داشتن علم در اسلام است.^۲

گرایش:

- ۱- دینی که به پیروان خود اجازه نمی‌دهد حتی برای تأمین آب وضو منّت کسی را بکشد و دستور تیمّم می‌دهد تنها موضوع علم‌آموزی است که حتی اجازه تملّق-گویی آموزگار علم را نیز صادر کرده است.^۳
- ۲- مسلمین هرگز اجازه ندارند با کاهلی و سستی زمینه هرگونه سلطنت و استعمار علمی را برای دیگران بر خود ایجاد کنند.^۴
- ۳- علم و دانش در حفظ دین مؤثر است.^۵
- ۴- هر تلاش علمی و فنی در بهبود وضعیت مسلمین در راستای عزّت اسلام، رضایت الهی و زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی‌عصر علیه السلام خواهد بود.

منش:

۱. «شما نمی‌توانید در دین اسلام یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان دهنده این باشد که این علوم دنیوی فایده‌ای ندارد یا مضر است و نباید دنبالش رفت!» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۸۷/۶/۵) - آنچه در ادعیه و روایات ما به عنوان "علم لا ینفع" عنوان شده علمی است که یادگیری آن نه تنها هیچ منفعتی برای دنیا و آخرت ندارد بلکه موجب انحراف هم خواهد شد و آلاً علمی که مشکلی از مسائل جامعه اسلامی حل نماید و یا موجب عزّت و اعتلای مسلمانان شود نه تنها غیر دینی نیست که به تعبیر شهید مطهری حتی مصداق "علم دینی" است.

۲. «در نظر بگیریید کشوری در نقطه دوردستی از دنیا قرار دارد که دور از هرگونه موفقیتی است، این کشور وارد میدان تمدن می‌شود و به فاصله کوتاهی بر همه تمدن‌ها فائق می‌آید... این نبود مگر اینکه اسلام به علم، فراگیری و تعلیم آن و زندگی عالمانه تأکید ویژه داشت.» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۸۳/۷/۵)

۳. تحف العقول - ص ۲۷

۴. قال امیرالمومنین ۷: «العلم سلطان من وجدهُ سال به و من لم یجده صیل علیّه» (کسی که علم دارد بر دیگران غالب است و اگر علم نیابد دیگران بر او غالب خواهند بود) (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید - ج ۲۰ - ص ۳۱۹)

۵. امیرالمومنین ۷ خطاب به جوانان: «یا معشرَ الفتیان حَضُوا اعراضکم بالأدب و دینکم بالعلم» (ای جوانان! شرف و حیثیت انسانی خود را با ادب، و دین خود را با دانش حفظ کنید).

- ۱- فراگیری و تلاش علمی را به عنوان یک فریضه و تکلیف دینی با جدیت انجام دادن.
- ۲- با تبیین ضرورت و اهمیت، زمینه ارتقای سطح علمی دیگران را فراهم کردن.
- ۳- تولید علم فن‌آورانه و تولید دانش‌بنیانه را به جای کسب مدرک و تولیدات کپی-بردارانه ترویج کردن.
- ۴- زمینه خلاقیت‌های علمی و فنی را در خود و در دیگران شناسایی و تقویت کردن.
- ۵- تلاش برای تربیت دینی نخبگان علمی.

مطالعه و کتاب‌خوانی

تأکید:

امام علی 7

«مَنْ تَسَلَى بِالْكِتَابِ لَمْ تَقْتَهُ سَلْوَةً»^۱

کسی که با کتاب‌ها خود را آرامش دهد، هیچ آرامشی را از دست ندهد.

تعریف:

عادت کردن و لذت بردن از مطالعه آثار مفید و همنشینی با کتب ارزشمند.^۲

بینش:

- ۱- لزوم افزایش سطح معلومات و معارف دینی با مطالعه
- ۲- لزوم ارتقاء سطح علمی و فرهنگی با مطالعه
- ۳- لزوم آگاهی از شرایط روز و جامعه

گرایش:

۱. غرر الحکم ۵-۲۳۳

۲. «امروز کتاب‌خوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است.» رهبر حکیم انقلاب (مد ظله العالی)

- ۱- با مطالعه بیشتر، معمولاً قدرت بیان و نگارش هم بهتر می‌شود.
- ۲- مطالعه را از هر موضوعی که علاقه بیشتری به آن وجود دارد؛ (مذهبی، تاریخی، رمان، خاطرات سرداران جنگ، سیاسی، ادبیاتی، شعر و...) آغاز و با توسعه دامنه موضوعات ادامه می‌یابد.

منش:

- ۱- ارتباط با مراکز نشر و انسان‌های پرمطالعه و پاتوق‌های کتاب
- ۲- همراه داشتن کتاب‌های مورد علاقه برای مطالعه در زمان‌های فراغت هر چند کوتاه
- ۳- تلاش در جهت ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، در کتاب‌خوان‌شدن خود آدم هم مؤثر است.
- ۴- قرار تبادل و تعارف کتاب در بین دوستان یا گروه

خودباوری و اعتماد به نفس

تأکید:

« كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ »^۱

(اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.)

تعریف:

ایمان به توانایی‌هایی ذاتی و استعدادهای فطری و اعتقاد به یاری خداوند در پرورش و گسترش آنها

بینش:

- ۱- باور این که خودباوری صفتی اکتسابی است و نه ذاتی (انسان‌های خودباور از همان ابتدا اینگونه نبوده‌اند).
- ۲- شناخت خود: استعدادها، توانمندی‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌ها
- ۳- آگاهی از آثار سوء ضعف اعتماد به نفس، نظیر: ذلت، حقارت، حسادت، بخل، تشویش خاطر و ...
- ۴- مطالعه زندگی بزرگان و نام‌آوران

۱.سوره آل عمران - آیه ۱۳۹

- ۵- توجه به این نکته که اگر دیگران امتیازاتی دارند که ما نداریم، حتماً ما هم امتیازاتی داریم که دیگران ندارند، و آنچه انسان‌ها دارند در مقابل آنچه ندارند بسیار اندک است، اگر بیندیشند و بکوشند (مضمون فرمایشی از معصوم (ع)).
- ۶- توجه به هدف حقیقی خلقت انسان و جایگاه خلیفه‌اللهی وی.
- ۷- توجه به اینکه راه دستیابی به بالاترین افاقها، اطاعت از خداست.^۱

گرایش:

- ۱- باور به اینکه خداوند دوستم داشته که خلقم کرده است^۲ و دوست دارد که من قوی باشم و مرا ضعیف نمی‌پسندد.^۳
- ۲- خداوند دوست دارد که من استعدادهای خود را که از نعم الهی است بشناسم و شکوفا کنم.^۴
- ۳- هرگاه سختی امری باعث هراس تو شد تو نیز در برابرش سخت و مقاوم باش، آسان خواهد شد (امام علی (ع)).^۵
- ۴- تاکید در عمل به این فرمایش معصوم (ع) که «در امور مادی به پایین دست و در امور معنوی به بالا دست خود بنگرید»، همواره آرامش‌بخش و سلوک‌آفرین خواهد بود.
- ۵- مؤمنان مجاز به سستی و خود کم بینی نیستند.^۶
- ۶- کسی که شان خود را بالا نبیند، رشد و صعودی هم نخواهد داشت.^۱

۱. «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَلَا أَمْرُهُ» (امام علی (ع)): هر کس خدا را پیروی کند برتری یابد- غرر الحکم حدیث ۲۸۰

۲. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَ...» (ستایش خدایی را که با اینکه از من بی‌نیاز است مرا اینقدر دوست دارد مرا دوست می‌دارد...) - فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی

۳. قال رسول الله ﷺ: «المؤمن القوی خیر و احب الی الله من المؤمن الضعیف»: مومن قوی از مومن ضعیف در نزد خداوند بهتر و محبوب‌تر است.

۴. «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» - (و نعمت‌هایی را که بر خورداری بشناس و بشناسان) - غرر الحکم - ج ۵ - ص ۲۵

۵. غرر الحکم - ج ۵ - ص ۲۵۳

۶. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» - سستی مکنید و اندوهگین مباشید، زیرا اگر ایمان آورده باشید شما برتری خواهید جست - آل عمران ۱۳۹

منش:

- ۱- تقویت اراده با مثلث توسل، توکل و تلاش.
- ۲- با عزم و اراده به جنگ سستی و تنبلی رفتن.^۲
- ۳- کارها را - ولو کوچک و کم اهمیت - با دقت و سرعت انجام دادن.
- ۴- تجزیه و تحلیل و نقد محترمانه و منصفانه سخنان و پیشنهادات دیگران.
- ۵- اظهار نظر منطقی و ایراد سخن در جمع.
- ۶- محاسبه نفس برای یافتن نقاط ضعف و قوت و تلاش و کوشش جدی برای تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت.
- ۷- رفتارشناسی، همنشینی و الگوگیری از انسان‌های دارای اعتماد به نفس، از قبیل اینکه ایشان:
 - همیشه شاکر نعمت‌های الهی هستند.
 - از کارها و مسئولیت‌های جدید نمی‌هراسند و در انجام امور داوطلب هستند.
 - غم و شادی‌هایشان خیلی تابع عوامل بیرونی نیست.
 - به چشمان طرف مقابل نگاه می‌کنند.
 - محکم و سریع راه می‌روند.
 - خوب گوش می‌دهند و خوب هم حرف می‌زنند.
 - از جمع نمی‌هراسند و با دیگران به راحتی ارتباط برقرار می‌کنند.
 - لباس منظم و تمیز می‌پوشند.
 - نگران قضاوت‌های دیگران نیستند و از انتقاد نمی‌هراسند.
 - مشورت می‌کنند، می‌اندیشند و تصمیم می‌گیرند.
 - با چالش‌ها و مشکلات جدیدی که روبرو می‌شوند احساس خودباختگی نمی‌کنند.

۱. «مَنْ لَمْ يُنْجِدْ لَمْ يُنْجِدْ» کسی که خود را بالا نبیند بالا نمی‌رود (غررالحکم و دررالکلم ج ۵ ص ۲۵۳).

۲. «ضادوا التواني بالعزم (امام علی ۷)» غررالحکم حدیث ۵۹۲۷

- اهداف بزرگ و دست‌نیافتنی را به چندین هدف کوچکتر دست‌یافتنی تقسیم می‌کنند و برای دست‌یابی به هر یک برنامه‌ریزی عملیاتی می‌کنند.

تشکیلاتی بودن

تأکید:

« أَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ ^۱ »

« به مراکز و جماعت‌های بزرگ بپیوندید، زیرا دست خدا همراه جماعت است. ^۲ »

تعریف:

ارتباط موثر با جمع‌های مکتبی و فعال داشتن، و روحیه کار جمعی داشتن ^۲.

بینش :

- ۱- آشنایی با سازندگی و بالندگی‌ای که در جمع و یا فعالیت‌های مشارکتی برای انسان حاصل می‌شود.
- ۲- «با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به نام خودشان ثبت کرده‌اند اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاِذْ عَصِمُوا يَحْبِلُ اللَّهُ جَمِيعًا؛ یعنی حتی اعتصام بحبل الله هم باید دست جمعی باشد.» ^۳
- ۳- «تشکیلات یعنی نظم، یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره‌ای کار کردن ... هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود» ^۴.

۱. نهج البلاغه - خطبه ۱۲۷

۲. «کار جمعی هم جزء خصال ملی ما نیست. ... این یک نقص ملی است در ما؛ این را باید درست کرد.» (رهبر حکیم ۸۸/۱۰/۱۳)

۳. (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۹۱/۷/۲۳ - دیدار با جوانان خراسان شمالی)

۴. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۶۰/۱۰/۲۷

- ۴- «روح تشکیلات در خودسازی است.»^۱ تشکیلات بدون خودسازی فاقد روح است در نتیجه حکم مرده متحرک را پیدا می‌کند. از مرده متحرک هم کاری بر نمی‌آید؛ چه برسد به اینکه بخواهد ما را بهتر و راحت‌تر به مقصودمان برساند.
- ۵- آگاهی از عوامل انحلال و فروپاشی تشکیلاتها.^۲

گرایش :

- ۱- آشنایی با تأکیدات فراوان دین مبین مبنی بر لزوم ارتباطات گروهی و فعالیت‌های اجتماعی نظیر:
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا - ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و با یکدیگر ارتباط داشته باشید.^۳
- انسان تنها، بهره شیطان است.^۴ حضرت امیر 7
- هیچ کس از یاری دیگران در مسیر حق بی‌نیاز نیست.^۵ حضرت امیر 7
- ۲- از منظر قرآن کریم کوچکترین هسته تشکیلاتی مسلمانان که مشمول نصرت الهی می‌شود حداقل ۲۰ نفر می‌باشد.^۶

منش :

- ۱- تعریف و تبدیل گروه دوستی به یک تشکیلات منسجم دینی.

۱. شهید مظلوم دکتر بهشتی

۲. ک نهج البلاغه - خطبه ۱۹۳

۳. سوره آل عمران - آیه ۲۰۰

۴. «إِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَمِّ لِلذُّبِّ.» (نهج البلاغه - خطبه ۱۲۷)

۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵: «... و هیچ کس هرچند هم که ضعیف باشد در یاری حق عاجز نیست.»

۶. «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرٌ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» - (اگر از شما بیست نفر خویشتن‌دار یافت شوند بر دویست نفر غلبه می‌یابند و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند غالب می‌شوند).

- ۲- رعایت آداب و اصول اخلاق تشکیلاتی: روحیه‌ی جمع‌پذیری^۱، قانون‌گرایی، احترام متقابل و...^۲.
- ۳- تقسیم کار و مسئولیت‌های مختلف درون‌گروهی و انجام فعالیت‌های مشارکتی
- ۴- تمرین و تجربه مکرر کار مشارکتی از مرحله هم‌اندیشی تا همدلی و همیاری
- ۵- تجربه ارتباط و فعالیت مشترک با تشکل‌های دیگر

۱. «یک کار تشکیلاتی خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند، گم کند ... و منیت‌ها و خودمحموری‌ها را در قبال جمع کنار بگذارد» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۵۹/۳/۲)

۲. «اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم» (رهبر حکیم انقلاب - ۱۳۵۹/۵/۸)

مناجات

تأکید:

«الدَّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^۱

«مغز عبادت دعاست»

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۲

«هنگامی که بندگانم در مورد من می‌پرسند به ایشان بگو من به آنها بسیار نزدیکم و درخواست ایشان را اجابت می‌کنم پس با من مناجات کنند و به من ایمان داشته باشند.»^۳

تعریف:

«یعنی با خدای متعال سخن گفتن، خداوند را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن، دعا؛ یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است و یا اظهار محبت و ارادت»^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷

۲. سوره بقره - آیه ۱۸۶

۳. «مرحوم علامه بزرگوار، علامه طباطبایی ۱ در این آیه‌ی شریفه متوجه یک نکته شده، ایشان می‌فرماید که پروردگار عالم در این آیه هفت مرتبه ضمیر متکلم وحده "من" به کار برده و در هیچ آیه دیگری از آیات قرآن این همه خداوند متعال از خود حرف نزده، در یک متن به این کوتاهی هفت مرتبه گفته "من"، این برای اثبات نزدیکی خدا به بندگانی است که دل به سوی خدا می‌گشایند و زبان باز می‌کنند به ستایش الهی.» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۶۴/۷/۵)

بینش:

- ۱- دعا‌های ائمه سرشار از معارف الهی است.^۲
- ۲- مناجات، سلاح بُرندۀ مومنین است.^۳
- ۳- توفیق مناجات و حال دعا، شاخص خوبی است برای ارزیابی احوال درونی انسان.^۴

گرایش:

- ۱- اگر خداوند در مناجات را باز کند، در اجابت را نمی‌بندد.
- ۲- دعا، حتماً اجابت خواهد شد.^۵
- ۳- لذت مؤانست و مجالست با محبوب برای مؤمنان، فوق لذت استجاب در خواست است.^۶

۳. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۴/۷/۲۹

۲. «واقعا این دعاها پر از معارف است، که اگر این‌ها را از حالت دعا بیرون بیاورند، معارف اسلامی متین و اصیل و قوی را تشکیل می‌دهند که نظیرشان در روایات ما کم است.» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۷/۸/۲۹)

۲. پیامبر اکرم ﷺ: «اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه نجات شماست... فَأَنَّ سَلْحَ الْمُؤْمِنِ الدَّعَاءُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸)

۴. گاهی حال مناجات از انسان گرفته می‌شود. این علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا هیچ نشاط و حوصله‌ای نداریم باید با استغفار و تضرع و تقوا به فکر اصلاح درون و برطرف کردن موانع باشیم»

۴. امام سجاد ۷: «و لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْتُرَ بِالسَّوَالِ وَ تَمْتَنَعَ الْعَطِيَّة» (پروردگارا، شأن تو این نیست که به خواستن امر نمایی، ولی اجابت نکنی).

منتها گاهی عین درخواست مستجاب می‌شود گاهی اجابت متوقف سعی و تلاش ما می‌شود، گاهی معاصی و اعمالمان مانع استجاب می‌شود (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ) و گاهی در زمان مقرر خود اجابت خواهد شد (الامور مَرهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا) و یا اینکه با مصالح ما و سنت‌های الهی مغایرت دارد و دعای ما ذخیره‌ی قیامت خواهد شد.

۵. «الذِّكْرُ مُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ ... وَ لَذَّةُ الْمُجْتَبِينَ» (امام علی ۷ غررالحکم، صفحه ۱۸۹)

- ۴- تأثیر معجزه‌آسای مناجات، زنده شدن دل انسان است.^۱
- ۵- توفیق مناجات یعنی مشمول لطف خاص الهی بودن.^۲
- ۶- دعا نباید فقط لقلقه زبان باشد.^۳
- ۷- محبوب‌ترین مؤمنین، درخواست کننده‌ترین آنهاست.^۴
- ۸- دعا کردن، معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر و ایمان را قوی می‌کند.^۵
- ۹- دعا کردن، رفع حاجات، دفع بلا و جلب روزی می‌نماید.
- ۱۰- مناجات، دل را از هوس‌ها ننگه می‌دارد.^۶
- ۱۱- «مناجات عشق به خدای متعال را در دل زنده می‌کند».^۷
- ۱۲- «مناجات، فکر و ذهن انسان را هدایت می‌کند».^۸
- ۱۳- مناجات، فضائل اخلاقی را رشد می‌دهد.
- ۱۴- «با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، روح اخلاص را در انسان می‌دمد».

-
۱. «ذکر خدای متعال و دعا و استغفار، تأثیرات معجزه‌آسایی بر روی دل انسان دارد، دل‌های مرده را زنده می‌کند» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۷/۶/۳۰).
 ۲. «اگر کسی توفیق دعا پیدا کند، دعای با توجه و با حال، باید بداند مورد لطف پروردگار است و اجابت در مرحله بعد است» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۱/۱۲/۷).
 ۳. «وَإِذْ عَلَّمْنَا أَنْ لَا يَقُولُ دُعَاءٍ مِنْ قَلْبٍ غَافِلٍ» خداوند دعای بدون حضور قلب را نمی‌پذیرد (پیامبر اکرم (ص)- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۷۵).
 ۴. «لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ» حاجت‌های کوچکتان را حقیر نشمارید؛ چرا که دوست داشتنی‌ترین مؤمنان نزد خداوند درخواست کننده‌ترینشان است (امام باقر ۷، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷۲).
 ۵. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۷/۱۰/۴
 ۶. «ذکر نمی‌گذارد که دل دستخوش تهاجم بی‌امان هوس‌های گوناگون شود و از دست برود، دل را ننگه می‌دارد که در فساد و در جاذبه‌های گمراه کننده غرق نشود... «الدَّاكِرُ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمَقَائِلِ فِي الْفَازِينَ» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۶/۶/۳۱)
 ۷. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۴/۷/۲۹
 ۸. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۷/۷/۲۹

- ۱۵- «مادرِ همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان غفلت است؛ دعا غفلت را از انسان می‌زداید»^۱
- ۱۶- «دعا به انسان قدرت و توان استقامت و ایستادگی می‌دهد»^۲

منش

- ۱- دعا و مناجات، به جای آرزوپروری و خیال پردازی.^۳
- ۲- تمرین مرافقه و گفتگو با پروردگار و ولیّ زمان (عج)، حتی در مراحل اول به زبان فارسی و ساده.^۴
- ۳- دعای انسان‌ها، معرفّ ما فی الضمیر آن‌هاست. (ابراز انسان‌شناسی و خودشناسی است).^۵
- ۴- هر کس مسئولیتی به عهده دارد، بیشتر محتاج مناجات است.^۱

۱. رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۱/۱۲/۷

۲. پیامبر ۶: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ سَبِيلٍ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سَبِيلَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ» (کافی، ج ۲، ص ۴۶۸)

«اگر می‌خواهید درمقابل دشمن استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید، اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادی تکان نخورید و نلغزید باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۱/۱۲/۷).

۳. «الهی طُمُوحِ الْاِمَالِقِ خَابَتْ اِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفِ الْهَمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ اِلَّا عَلَيْكَ» خدایا آرزوهای بزرگ و خواسته‌های عظیم محکوم به نومیدی است مگر وقتی که با تو مطرح می‌شود و کاروان طلب‌های ما در راه باز می‌مانند مگر وقتی به در خانه‌ی تو بیایند. (امام صادق ۷- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۰۶)

۴. «دعا، خواندن خداست؛ حال می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد، هرچه که می‌خواهید با خدا حرف بزنید... هرچه می‌خواهید با او در میان بگذارید...» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۸۵/۷/۲۱).

۵. «وقتی شما دعای کسی را گوش می‌دهید می‌توانید از دعای او بفهمید که چگونه انسانی است، حقیر است یا عظیم، کوتاه‌بین است یا بلندنظر و بلندهمت، مؤمن است یا مردود... دعا چیز عجیبی است» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۶۴/۷/۱۵).

- ۵- دعا را حتما با عنایت و توجه به معانی آن بخوانیم.
- ۶- در ابتدا، به همان بخشی از دعا که با حال و توجه می‌خوانیم، اکتفا کنیم.
- ۷- ممارست در مناجات، انسان را اهل مراقبه و تقوا می‌کند.^۲
- ۸- دعا هرگز جایگزین تلاش و ابزارهای مادی نیست.^۳
- ۹- حفظ روحیه دعا و مناجات، هم در سختی‌ها هم در گشایش‌ها.^۴
- ۱۰- درخواست‌های کوچکمان را هم از خدا بخواهیم، تا خضوع و خاکساریمان در درگاه الهی بیشتر شود.

-
۱. «مسئولان... خودشان را بی‌نیاز از دعا و نافله و ذکر و توجه و توسل و گریه و انابه به پروردگار ندانند، نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم، دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد! نه، اصل کار این است. اگر نباشد ما بی‌پشتوانه‌ایم.» (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۷۰/۵/۲۳)
 ۲. «انسان اهل مناجات به خاطر از دست ندادن توفیق و لذت مناجات دائم از اعمال و گفتار و حتی خواب و خوراک خود مراقبت می‌کند... ادعنی بالقلب النقی واللسان الصادق چرا که مناجات با پروردگار همواره دلی پاک و زبانی صادق می‌خواهد.»
 ۳. «دعا موجب نشود که کسی تنبلی کند، دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادی دست بشوید، نه دعا رقیب آن‌ها نیست بلکه در طول آن‌ها و جورآورنده‌ی آن‌هاست... خیلی از تلاش‌ها هست که به نتیجه نمی‌رسد، اما همین که دعا کردید به نتیجه خواهد رسید» (رهبر حکیم انقلاب ۷۳/۱/۲۸).
 ۴. مضمون آیات مبارکه سوره نصر « إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَ... فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ...»